

چند نکته در مورد نظر «اقلیت» در «کار» ۶۱ پیرامون دولت

بیژن هیومن پور

۲۴ خردادماه ۱۳۵۹ (۱۴/۶/۱۹۸۰)



<https://bijan.hirmanpour.net>

توجه 

یادآوری: مقاله حاضر، نوشته‌ای است منتشر نشده به تاریخ ۲۴ خردادماه ۱۳۵۹ از بیژن هیومن‌پور. این مقاله کوتاه در نقد نظر «اقلیت» پیرامون دولت و بدنبال آن یک نکته درباره اختلاف «اقلیت» و «اکثریت» است. این نوشته بخشی از نوشته‌های بیژن هیومن‌پور برای جریان «چریکهای فدایی خلق ایران» است، جریانی که به آن تعلق داشت. جدائی این جریان از سازمان در خرداد ۱۳۵۸ صورت گرفت.

در این نظر چیز تازه‌ای موجود نیست ولی پیش از این ما با تمام عناصر اینگونه تحلیلها برخورد کرده‌ایم. چیز تازه‌ای که «اقلیت مطرح میکند نقل قول مستقیم از لنین است که در مورد «خرده‌بورژوازی» است که بخیال آنها در حاکمیت سهیم است. مضحک اینست که جمله‌ای که از لنین می‌آوردند با واژه «خرده‌بورژوازی دموکرات» شروع میشود. این حضرات این جمله را در تأیید نظرات لنین آورده‌اند بدون آنکه از خود بپرسند راجع به چه کسانی صحبت میکنند.

این «خرده‌بورژوازی دموکرات» درون حاکمیت کیست؟ و چه عمل دموکراتیکی از او سرزده است؟ در واقع کسانی که بخواهند، در این مورد هم، از لنین نقل قول کنند چاره‌ای ندارند جز آنکه بهمین صورت نقل قول کنند ولی آنها کارکشته‌ترند. در اینمورد دیگر از لنین و مارکس و انگلس نقل قول نمی‌کنند و پس از اعلام اینکه خرده‌بورژوازی در حاکمیت است ضد دموکرات بودن او را دیگر مثلاً با توسل به کمونیست‌کشی‌های عبدالناصر توجیه می‌کنند.

یک نکته درباره اختلاف «اقلیت» و «اکثریت»

بین اختلاف «اقلیت» و «اکثریت» سازمان با اختلاف سازمان مجاهدین و رادیو تلویزیون شباهت مضحکی وجود دارد. میدانیم که رادیو و تلویزیون میگوید باید اول اختلافات ایدئولوژیک را حل کرد و بعد وارد سیاست و برنامه شد و اساساً اختلافات از همین تفاوت در ایدئولوژی سرچشمه میگیرد ولی سازمان مجاهدین میگوید که فقط در امور سیاسی حاضر به بحث است.

اکنون می‌بینیم که «اکثریت» سازمان میگوید که باید اول اختلافات ایدئولوژیک را حل کرد و بعد به برنامه پرداخت و اقلیت میگوید اول به برنامه بپردازیم و ضمن آن سایر مسائل را حل کنیم. هر کدام هم برای نظر خود دلائلی دارند که در حد خود معقول است. مثلاً وقتی «اکثریت» میگوید چگونه بدون وحدت اصولی میتوان از برنامه واحد سخن گفت حرفش معقول بنظر میرسد. وقتی «اقلیت» میگوید که چگونه بدون پرداختن به یک برنامه عملی میتوان اختلافات اصولی را دریافت باز حرف او هم منطقی بنظر میرسد.

چرا این وضع بوجود آمده است و چرا حرف هر دو ظاهراً درست بنظر میرسد؟ برای آنکه مسأله در کلیت خود مطرح نشده است. این مرحله‌بندی مصنوعی که از طرف «اکثریت» و «اقلیت» هر دو بعنوان یک واقعیت پذیرفته شده از کجا ناشی شده است؟

چرا همه مسائل یکجا بررسی نشود و در این مجموعه هر چیز بجای خودش انجام نگیرد و اصلاً اگر خود «اکثریت» و «اقلیت» مسأله را به این صورت مطرح نکرده بودند، در ذهن عادی هم این مسائل تفکیک‌پذیر بود؟

چرا «اقلیت» پشت برنامه و «اکثریت» پشت اصول سنگر گرفته‌اند؟ برای اینست که هر یک از دو طرف نقطه ضعف دیگری را میدانند. «اقلیت» میدانند که «اکثریت» فقط در جهت سازش با حکومت حرکت میکند و هر برنامه‌ای را فقط در این زمینه حاضر است بپذیرد لذا روی برنامه تأکید میکند تا باصطلاح مچ «اکثریت» را بگیرد و با این برگ برنده دفاع محدود و مشروط و مردد خود را از خط‌مشی سازمان تحکیم بخشد. «اکثریت» هم میدانند که «اقلیت» قصد دفاع اصولی و استوار از خط‌مشی انقلابی ندارد، بهمین جهت میخواهد او را به این میدان بکشد و مشتش را باز کند و او را از این پز انقلابی که بعنوان مدافع گذشته سازمان بخود گرفته و ظاهراً حیثیتی به او داده محروم سازد.

جنگ بسیار جالبی است. هردو در مقابل هم صف‌آرایی کرده‌اند بدون آنکه کسی قدمی جلو بگذارد و میتوان گفت که این جنگ هرگز مغلوبه نخواهد شد و دو طرف آن پس از آنکه مدتی برای یکدیگر شاخ و شانه کشیدند هر کدام به راه خود خواهند رفت.

فرض کنیم که «اکثریت» واقعاً اپورتونیست باشد و خواهان مبارزه بر سر اصول باشد چرا «اقلیت» که «انقلابی است از این مبارزه سر میزند. قدم جلو بگذارد و دشمن را در سنگر خودش بکوبد و در ضمن هم اعلام کند که این شیوه مبارزه را دشمن به او تحمیل کرده ولی او بعنوان یک انقلابی آمادگی مبارزه در هر سنگری را دارد.

ولی او حاضر به چنین کاری نیست. چرا؟ برای آنکه نمیخواهد بطور اصولی از خط‌مشی انقلاب دفاع کند.

ضمیمہ

با استقرار صلح عادلانه در کردستان سنگ مبارزه با امپریالیسم آمریکا را استحکام بخشیم

امپریالیسم آمریکا، آنچنان که جیمی کارتر صریحا اعلام داشته، در پی دخالت‌های بیشتری در ایران است و پرواضح است که امپریالیسم در پی روی کار آوردن یک حکومت سرسپرده آمریکایی در ایران به کمک ایادی داخلی خویش است و البته در صورت آماده شدن چنین زمینهای، نیروهای ضربتی آمریکا و ناوگان نظامی آمریکا آمادماند برای استقرار چنین حکومتی در صورت لزوم به اقدام نظامی سریع و ضربتی نیز دست بزنند.

رژیم عراق که به شدت از گسترش مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران وحشت زده شده و بازتاب مبارزات میهن ما را در شرایط بحرانی عراق بوضوح می بینند همه تلاش خود را برای تفرقه در صفوف زحمتکشان ایران و منحرف ساختن مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران به کار گرفته است.

فرماندهان فراری ارتش از قبیل اویسی، پالیزبان به کمک سرمایه داران فراری و امپریالیسم جهانی، هزاران مزدور را سازماندهی کرده، تلاش دارند با بهره گیری از نارضاییهایی که وجود دارد و به ویژه در بخشهایی از غرب ایران یک پایگاه دائم ضد انقلاب مستقر سازند.

تحریم اقتصادی امپریالیسم آمریکا و سیاست‌های ناپیکر حکومت، میلیون‌ها زحمتکش ایرانی را زیر فشار گزافی و بیگاری خرد کننده قرار داده است.

سیاست‌های سرکوبگرانه و نفاق افکنانه جناح‌هایی از حاکمیت وحدت نیروها را سخت دستخوش مخاطره قرار داده است.

و در چنین شرایطی است که جنگ تحمیلی کردستان عملا وسعت می‌گیرد و در شرایطی که میهن ما در خطر امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی آن است، نفاق ملی هر روز گسترش می‌یابد و کوشش‌های انقلابیون برای همگامی و همکاری و اتحاد عمل همه نیروهای ضد امپریالیست و ترقیخواه که خواهند پیشبرد واقعی مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا هستند، در اثر سیاست‌های جنگ افروزانه لطافت بیشتری متحمل می‌شوند.

بقیه در صفحه ۲

خوزستان:

توطئه‌های حکومت عراق و فعالیت عوامل وابسته به آن

یاد
شهادت
پانزدهم
خرداد
گرامی باد

در صفحه ۱۲

در میان دولت‌های ارتجاعی منطقه رژیم فاشیستی و ضد مردمی عراق بیشترین دشمنی را با مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما ابراز می‌دارد و علیه خلق‌های ما به تجاوز نظامی دست می‌زند.

این رژیم که به علت پیوندهای تاریخی مردم ما، با مردم کرد و عرب عراق از رشد و گسترش مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران بیشترین زیان را می‌بیند، با حمایت امپریالیسم جهانی تلاش می‌کند - دستاوردهای مبارزات مردم ما را در راه کسب استقلال و آزادی بی‌بها کرده و خلق‌های قهرمان ما را در ادامه مبارزاتی که برای نابودی سلطه امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا در پیش گرفته‌اند، مایوس سازد.

همه تلاش‌های رژیم عراق برای حفظ سلطه امپریالیسم جهانی در منطقه است زیرا نابودی سلطه امپریالیسم در منطقه به معنی واژگونی رژیم‌هایی همانند رژیم عراق است.

در صفحه ۶

در باره کنفرانس بررسی جنایات امپریالیسم آمریکا

جنایاتی که امپریالیسم آمریکا، این مخرب‌ترین و جنایتکارترین نیروی تجاوزگر تاریخ، در میهن ما به دست ایادی خود مرتکب شده‌است به حدی است که بدون تردید توضیح و تشریح یکایک آن در یک کنفرانس چند روزه عملا امکان پذیر نیست. جنایات شناخته شده سازمان امنیت را که به دست کارشناسان یک کنفرانس چند روزه عملا

در صفحه ۲

در این شماره:

- فرماندهان نظامی در فکر کودتا هستند (در صفحه ۱۲)
- در حاشیه سفر رهبران بین‌الملل سوسیالیستی به تهران (در صفحه ۲)
- لنگی وزیر فلانی؟ راه جبرین کسری بودجه بیکار کردن کارمندان دولت نیست (در صفحه ۹)
- دو گرایش انحرافی مشخص جنبش کارگری ایران را تهدید می‌کند: ۱- آنارکوسندیکالیسم ۲- فرمسیسم (در صفحه ۱۷)
- نهمین یزدکداخت روز تبلیغی ما خرداد مانع از انحراف جنبش ضد امپریالیستی شویم (در صفحه ۳)
- پیام صلح اعلامیه مشترک سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و حزب دمکرات کردستان (در صفحه ۱۱)
- اخبار گروستان (در صفحه ۱۳)

توقیف نشریه کار و دستگیری توزیع کنندگان آن محکوم است

● فشارهای وارده نمی‌تواند انقلابیون را از وظیفه و رسالت خود بازدارد. ما با تمام امکانات خود و با هوشیاری، مبارزه با امپریالیسم آمریکا و دوستان و جاسوسان آن را تا پای جان ادامه خواهیم داد.

در صفحه ۴

بکوشیم تا با استقرار صلح در کردستان وحدت مردم میهنمان را
علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

درباره کنفرانس بررسی...

بقیماز صفحه ۱
تکان دهنده ای است که امپریالیسم آمریکا در میهن ما مرتکب شده است. پس از قیام خونین مردم ایران، امپریالیسم آمریکا، آبی از اقدامات جنایتکارانه علیه مردم ما که مصمم اند سلطه غارتگرانه امپریالیسم جهانی بر سرکردگی امپریالیسم آمریکا را نابود سازند، دست برداشته و از طریق شبکه‌ها و ایادی داخلی خود به هر جنابیتی دست زده است.

کنفرانس بین‌المللی مداخلات آمریکا در ایران که با شرکت نزدیک به صد هیئت نمایندگی احزاب و دولت‌های سراسر جهان تشکیل شده است، اینک به دعوت دولت ایران برای بررسی این جنایات به تهران آمده‌اند.

ما ضمن تأیید اهداف ضد امپریالیستی این کنفرانس معتقدیم که همه دشمنان امپریالیسم جهانی و نمایندگان همه خلق‌های زیر ستم جهان باید به این کنفرانس دعوت می‌شدند. از آنجا که روزهای تشکیل آن را محدود می‌دانیم و از آنجا که بررسی جنایات آمریکا و انتشار و انعکاس این جنایات در دنیا در این مدت محدود میسر نیست، این کنفرانس اگر واقعا بخواهد جنایات امپریالیسم آمریکا را در ایران بطور همه‌جانبه بررسی کند و به گوش همه خلق‌های جهان برساند بایست هیئتی دائمی از میان خود انتخاب کند، تا این هیئت به مثابه یک دادگاه بین‌المللی همه جنایات امپریالیسم آمریکا را در دوران سیاه حکومت‌شاه و ادامه این جنایات را پس از انقلاب مردم ایران بررسی و به جهانیان اعلام کند.

به اعتقاد ما چنین دادگاهی آگاهی خلق‌های ایران و جهان را از ماهیت جنایتکار امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا افزایش داده و در پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی مردم جهان موثر خواهد بود.

تشکیل و ادامه کار چنین دادگاهی در خنثی ساختن دسیسه‌های امپریالیسم آمریکا در سپین‌ما و وحدت مردم ایران تأثیر خواهد داشت.

سازمان سیا در ایران تشکیل و زیر رهبری آن عمل می‌کند و تحمیل قراردادهای آسارتبار اقتصادی و نظامی و استعمار نیروی کار و غارت منابع سرشار میهن ما که بهمانه خرابی میلیون‌ها ایرانی و مرگ هزاران کودک و پیر و جوان ایران انجامید، کشتارهای دسته‌جمعی مردم توسط ارتش که زیر رهبری فرماندهان نظامی آمریکا عمل می‌کرد، شکنجه‌ها و اعدام‌های وحشیانه انقلابیون، نابودی کشاورزی ایران به کمک کارشناسان آمریکا و اسرائیلی که حتی از وارد کردن آفات و بیماری‌های خانمانسوز نباتی به ایران خودداری نمی‌کردند جنگلی بخشی از جنایات

بحران کردستان تنها با تحقق خواست‌ها و مطالبات حق طلبانه خلق کرد می‌تواند پایان یابد.

خواست‌ها و مطالبات حق طلبانه خلق کرد، برخلاف تبلیغات گمراه‌کننده در چارچوب حفظ یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران و استقلال میهن قرار دارد

تاریخ اثبات کرده است نمی‌توان مردمی را که برای تحقق خواست‌های حق طلبانه بها خاسته‌اند، سرکوب کرد.

را محل‌های نظامی تنها و تنها بحران را تشدید می‌کند

و ابعاد فاجعه بار آن در وهله نخست دامن مدافعان جنگ برادرکشی را خواهد گرفت.

برقرار باد صلح عادلانه در کردستان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
خرداد ۱۳۵۹

با استقرار صلح عادلانه در کردستان...

اطاعت کورکورانه، ایجاد و تشدید نفاق میان زحمتکشان ایران، گسترش نفاق ملی و ممانعت از نزدیکی نیروهای ضد امپریالیست و غیره... (۱)

در حالی که هزاران تن از بازماندگان رژیم شاه و ساواکی‌ها زیر فرماندهی اویسی‌ها و با تجهیزات مدرن نظامی سازماندهی شده‌اند، در حالی که مصر و اسرائیل، عمان و عراق و پاکستان به صورت پایگاه‌های امپریالیسم آمریکا علیه خلق‌های ایران به جنب و جوش افتاده و در ارتباط با ایادی داخلی امپریالیسم برای سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران حاضرند به هر اقدامی دست بزنند، گسترش تهاجم نظامی در کردستان می‌تواند توجه مردم را از مبارزه علیه امپریالیسم و کابون‌های خطرناک ضد انقلاب منحرف سازد و از وحدت ضد امپریالیستی زحمتکشان جلوگیری کند و پرواضح است که همه اینها خواست امپریالیسم آمریکا و مقایر با منافع و مصالح خلق‌های ستمدیده میهن ماست.

۲- کوششهایی به عمل می‌آید تا مسائل کردستان را تماما هم‌ردیف مسائل نقاط دیگر ایران معرفی نماید. این سیاست که در عمل چیزی جز سیاست ادامه جنگ در کردستان نیست با فروپسند چشم‌های خود بر ویژگی‌های تاریخی، قومی و ملی کردستان و بدون توجه به واقعیت‌های سیاسی موجود در کردستان این توهم را بر می‌انگیزد که گویا "کردستان، یزد است!!".

این سیاست بطور یکجانبه و به اصطلاح تنها به قاضی می‌رود. هم از این روست که در ظاهر راضی برمی‌گردد در حالی که اگر جدا از نیت و اعتقاداتی که در سر داریم به واقعیات ملموس و زنده کردستان نظر افکنیم و این واقعیت‌های محرز را در محاسبات سیاسی خود دخالت دهیم، بسیار آسان در خواهیم یافت که مطالبات خلق کرد در چارچوب استقلال و یکپارچگی میهن و عمده‌ترین مطالبات خلق‌های قهرمان ایران از ویژگی‌هایی برخوردار است که بدون در نظر گرفتن آن، حل بحران کردستان امکان پذیر نیست.

آتهائی که واقعا می‌خواهند جنگ برادر کشی در کردستان خاتمه پیدا کند باید صراحتا اعلام دارند که به این ویژگی‌ها توجه دارند و آماده‌اند به مطالبات حق طلبانه خلق کرد پاسخ مساعد دهند.

بر چنین زمینه‌ای است که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با احساس مسئولیت تمام و با تأکید بر خطرات جدی‌ای که جنبش ضد امپریالیستی میلیون‌ها زحمتکش ایران را در مخاطره قرار داده است به تلاش همه‌جانبه برای قطع فوری جنگ و خونریزی در کردستان دست زده و مصمم است با همکاری نیروهای ترقیخواه و صلح طلب خلق کرد، برای استقرار صلح عادلانه در کردستان بیش از پیش کوشش کند.

به گمان ما "توهماتی" وجود دارد که زدودن آن برای درک ضرورت استقرار یک صلح عادلانه در کردستان الزامی است و بد نیست که در اینجا نیز هر چند مختصر بدان اشاره کنیم:

۱- فرماندهان ارتش و مدافعان ادامه جنگ در کردستان کوشش می‌کنند این توهم را در همه مقامات حکومتی دامن بزنند که حل بحران کردستان از طریق نظامی و سرکوب زحمتکشان امکان پذیر است، آنها تلاش دارند خارج شدن پیشمرگان کرد را از سندج که برای جلوگیری از ویرانی بیشتر شهر و کشتار مردم صورت گرفته یک پیروزی برای خود قلمداد کنند. در حالی که هرکس کوچکترین اطلاعی از فنون نظامی داشته باشد، در می‌یابد که تهاجم نظامی علیه خلق کرد باردیگر با شکست روبرو شده است. هرکس از وضعیت کردستان، یکپارچگی خلق کرد، وضعیت منطقه، آمادگی پیشمرگان و روحیه مردم مطلع باشد و کوچکترین اطلاعی از فنون جنگ داشته باشد می‌داند که پیروزی نظامی در کردستان محال است.

تهاجم نظامی در کردستان با شکست روبرو شده و در صورت ادامه با شکست قاطع و همه‌جانبه روبرو خواهد شد. اگر بپذیریم که فرماندهان نظامی نیز این واقعیت ساده را که پیروزی نظامی در کردستان امری محال است دریافته‌اند، این سؤال مطرح می‌شود که هدف واقعی آنها از تلاش برای ادامه جنگ چیست؟

بدون تردید به زعم آنها ادامه جنگ راهی است برای تصفیه پرسنل مبارز ارتش، خرید جنگ افزار، بازگرداندن افسران "باجربه" شاه به خدمت، ابقای فرماندهان کنونی ارتش، تحکیم موقعیت خود از طریق انجام مانورهای زیرکانه بر اساس تضادهائی که در نتیجه جنگ در درون ارتش به وجود می‌آید، سرکوب شوراهای تحکیم نظام

ضمن بزرگداشت روز

تاریخی ۱۵ خرداد

مردم قهرمان ایران!
نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست!

مبارزه شکوهمند و دلآورانة خلق‌های قهرمان ما علیه امپریالیسم، دوستان و جاسوسان آن روزهائی پرمخاطره‌ای را از سر می‌گذرانند. تاریخ مبارزات حماسه آفرین مردم ما برای کسب استقلال و آزادی و برای بنا نهادن ایرانی آزاد و دمکراتیک که در آن کارگران و زحمتکشان از بی‌خامی و بیکاری و گرسنگی‌رهائی می‌یابند مآل‌الاول از توطئه‌ها و تلاش‌های مذبوحانه‌ای است که طی آن دوستان و جاسوسان امپریالیسم کوشیده‌اند به نام مردم هدف‌های ضد مردمی خود را عملی سازند. همین تاریخ گواه است که ما هرگز کامیابی‌های موقتی امپریالیسم، زحمتکشان ستم‌ها، چهره دشمنان خود را ناز شناخته و دلآورانة علیه آنان قیام کرده‌اند و نتایج غارتگری آنان را سرنگون ساخته‌اند.

انگن نیز سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ، دولت‌طلبان و طرفداران بختیار و اویسی، فرماندهان مزدور امپریالیسم در ارتش، شبکه‌های جاسوسی امپریالیسم آمریکا و امیرالها دسایس و توطئه‌های تازه‌ای ساز کرده‌اند و در صدند به هر شکلی که می‌توانند به مبارزات توده‌های میلیونی مهن ما که در راه نابودی سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا جریان دارد ضرباتی وارد آورند.

بزرگسای ۱۶ ماهی که از قیام گذشته است، اثبات می‌کند که یکی از حربه‌های دشمنان مردم برای به انحراف کشاندن مبارزه علیه سلطه امپریالیسم و دوستان و جاسوسان آن ایجاد دشمنی کاذب در درون صفوف متحد مردم قهرمان و رزمنده مهنمان و دامن زدن به تفرقه‌ها و دشمنی‌ها بر این اساس بوده است.

ایادی سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و همه دوستان و جاسوسان امپریالیسم طی ۱۶ ماهی که از قیام می‌گذرد همواره تلاش کرده‌اند مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا را از مسیر واقعی خود منحرف کرده و دشمنی با امپریالیسم آمریکا را به دشمنی با نیروهای ضد امپریالیست و در رأس آن با انقلابیون کمونیست مبدل سازند. آنها در تعقیب هدف‌های ضد مردمی خود به اتحاد عمل و نزدیکی نیروهای ضد امپریالیسم و انقلابی ضربات سختی وارد آورده‌اند. بسیاری از این تلاش‌های ضد مردمی با نام دفاع از اسلام صورت گرفته و می‌گیرد و در این میان گوردلی، انحصار طلبی و قشریت مذهبی جناح‌هایی که نقش موثر و تعیین کننده‌ای در حیات سیاسی جامعه کنونی ما دارند بهترین شوق و مددکار دشمنان مردم بوده است. حمایت و تشویق این جناح‌ها، علیرغم نیات و اقدامات ضد امپریالیستی شان، به دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا که در درون و بیرون هیئت حاکمه حضور و نفوذ دارند امکان می‌دهد تا مرز دوستان و دشمنان واقعی مردم را تا آنجا که امکان پذیر است مخدوش سازند و در مبارزه علیه نیروهای ضد امپریالیست و انقلابی موفقیت‌هایی به دست آورند. این جناح‌ها، علاوه بر آنچه که گفتیم خود نیز با-

اتخاذ سیاست‌های ضد دمکراتیک و ضد کارگری و به ویژه دشمنی با "انقلابیون کمونیست" تاکنون ضربات سختی به مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما وارد آورده‌اند و در ایجاد ضعف و پراکندگی کنونی نقش درجه اول داشته‌اند.

مردم ما فراموش نمی‌کنند که چگونه از فردای قیام "دولت موقت" و "صدا و سیمای جمهوری اسلامی" وظیفه خود را مبارزه علیه نیروهای ضد امپریالیست و در رأس آن انقلابیون کمونیست قرار دادند.

مردم ما فراموش نمی‌کنند که چگونه از قیام تاکنون یکی از ارکان سیاست تبلیغاتی جمهوری اسلامی مقابله با نیروهای انقلابی و به ویژه انقلابیون کمونیست بوده است. با این سیاست تخم نفاق و پراکندگی را افشاندند و هم امروز نیز با جعل حقایق و هزاران تهمت و افترا بدان دامن می‌زنند. اکنون آشکارا با توقیف مطبوعات انقلابی در کنار توقیف بجا و درست نشریات وابسته به امپریالیسم و محافل نزدیک به طبقه سرمایه‌دار ایران، با بازداشت و اعدام انقلابیون کمونیست، با تبلیغ جنگ برادر کشی و اقدام به آن و با اخراج "کمونیست‌ها" از محیط‌های کار و فعالیتشان خرابسته و ناخواسته آب به آسیاب امپریالیسم ریخته و پیروزی بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ما را به تعویق انداخته و با دشواری‌های فراوانی روبرو می‌سازند.

مردم ما فراموش نمی‌کنند که چگونه هیئت حاکمه و صدا و سیمای جمهوری اسلامی و به ویژه روزنامه جمهوری اسلامی دستجات معروف به "حزب الله" را که ماهیتی ضد مردمی‌شان دیگر بر کسی پوشیده نیست "مردم" می‌خواندند و از هیچگونه حمایتی از آنان کوتاهی نمی‌کردند. سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، در آستانه برگزاری بزرگداشت روز تاریخی ۱۵ خرداد که با آن فصل تازه‌ای در مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلق‌های ایران آغاز گردید، ضمن بزرگداشت این روز تاریخی با درود به شهدای به خون خفته خلق که در راه کسب استقلال و آزادی جان‌های پاکشان را فدا کردند در مسئولیت خود می‌دانند که توجه همه مردم آگاه و مبارز ایران، تمامی نیروهای انقلابی، مسند امپریالیست و ترفیخواه را به نکات زیر جلب نماید:

- ۱- دستجات و باندهای وابسته به امپریالیسم و دوستان و جاسوسان آن در روزهای آینده به بهانه دفاع از اسلام و در پوشش "حزب الله" کوشش خواهند کرد تشنجات تازه‌ای در سطح جامعه به وجود آورند. این دستجات تلاش دارند با ایجاد درگیری با نیروهای ضد امپریالیست و در رأس آن "انقلابیون کمونیست" دامن‌ساز عملیات سرکوبگرانه را گسترش داده و در جهت ایجاد اختناق و سلب حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی گام‌هایی دیگر به جلو بردارند وظیفه همه نیروهای انقلابی است که مانع هرگونه درگیری شوند و اجازه ندهند که دشمنان مردم ما به هدف‌های پلید خود دست یابند.

۲- از ۱۵ خرداد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش

گسترده‌تر باد همکاری و همکاری همه آنان که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند!

مرکز بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

پیروز باد جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران

با هوشیاری انقلابی

مانع از انحراف جنبش ضد امپریالیستی شویم

عالی سراسر کشور تعطیل می‌شود. ما ضمن اعلام نگرانی خود از تعطیل طولانی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی آنچنانکه بارها اعلام داشته‌ایم با تعطیل دانشگاه‌ها و تعرض به حریم دانشگاه با هر نام و بهانه‌ای مخالفیم و آن را به سود مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های ایران نمی‌دانیم.

از سوی دیگر امکان دارد اقدامات عجولانه‌ای با هدف پاسداری از آزادی فعالیت‌های صنفی و سیاسی دانشجویی صورت گیرد. ما به همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست صراحتاً تاکید و توصیه می‌کنیم که از هرگونه اقدام عجولانه خودداری کنند.

ما تاکید می‌کنیم که اقدام به تحصن، اعتصاب و درگیری پیرامون تعطیل دانشگاه‌ها را در شرایط کنونی به سود جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران نمی‌دانیم و مصرا از همه نیروها و هواداران خود می‌خواهیم که ضمن مخالفت با چنین اقدامات و حرکتی از شرکت در آن جدا خودداری ورزند.

۳- از آنجا که تعطیل دانشگاه‌ها به بهانه انسرف فرهنگی صورت می‌گیرد ما اعلام می‌داریم که یک انقلاب فرهنگی واقعی زمانی می‌تواند به ثمر رسد که بنای پیوسیده سرمایه‌داری و استثمار انسان از انسان به دست توانای طبقه کارگر ایران از پایه وازگون گردد. ما مبارزه در راه دگرگون ساختن نظام آموزشی، به نحوی که دانشگاه‌ها و مدارس عالی و همه دانشجویان و دانشکاسیان را در خدمت بهبود شرایط زندگی زحمتکشان و در راستای قطع سلطه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در آورد قاطعانه تأیید می‌کنیم و در این مبارزه دوشادوش و پشاپیش زحمتکشان گام خواهیم داشت.

ما بار دیگر اعلام می‌داریم که مبارزه برای استقرار یک نظام مردمی در دانشگاه‌ها و مدارس عالی به هیچ وجه آن چیزی نیست که در اول و دوم اردیبهشت ماه جاری اتفاق افتاد و به شهادت دهها دانشجو و زحمتکش ضد امپریالیست و انقلابی انجامید. ما آنچه را که به نام "انقلاب فرهنگی" و رهبری حزب جمهوری اسلامی در دانشگاه‌ها و مدارس عالی صورت گرفته است لکه سنگینی بردمان جمهوری اسلامی ایران می‌دانیم که با حماسه مقاومت دلآورانة دانشجویان در راه کسب استقلال و آزادی در تاریخ مبارزات رهایی‌بخش مردم مهنمان ثبت خواهد شد.

۴- ما از همه هواداران خود می‌خواهیم ما هوشیاری انقلابی حوادث و اتفاقاتی را که این روزها احتمال وقوع دارد مورد بررسی و مطالعه قرار دهند. به میان مردم بروند و حقایق را برای آنها توضیح دهند. رهبران و تحریک کنندگان اقدامات ضد دمکراتیک و سرکوبگرانه را به مردم بشناسانند و نتیجه و مضمون اقدامات آنها را که علیه مردم و مطالبات و آرمان‌های آنان و به سود دشمنان مردم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا تمام می‌شود برای مردم توضیح دهند.

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران
۹ خرداد ماه ۱۳۵۹

در حاشیه سفر رهبران "بین الملل سوسیالیستی" به تهران

● سیاستی که دوستی با امپریالیستهای اروپایی را شرح می‌کند، سیاستی مغایر با خواست‌های استقلال طلبانه مردم ایران است. و این ناگفته پیداست که با استفاده صحیح از تضادهای درونی جهان سرمایه‌داری معاصر (امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا) تفاوت دارد!

روز دوشنبه پنجم خرداد ماه "رهبران" بین‌الملل سوسیالیستی به دعوت رئیس جمهور و برای انجام "مذاکراتی" با رئیس جمهور و شورای انقلاب وارد تهران شدند. بین‌الملل سوسیالیستی ادامه جناح راست بین‌الملل دوم است که در اوایل قرن حاضر از اتحاد احزاب سوسیال دمکرات و کارگری جهان به وجود آمد. اما در دوره جنگ جهانی اول این بین‌الملل به سه جناح راست مرکز و چپ تقسیم شد. جناح انقلابی آن زیر رهبری حزب کمونیست (سوسیال دمکرات) روسیه و لنین قرار داشت. این جناح انقلابی در مقابل جنگ امپریالیستی شعار صلح و تبدیل جنگ امپریالیستی به جنگ انقلابی برای سرنگونی امپریالیستی را

مطرح می‌کرد. جناح مرکز و جناح راست که امروزه همین "بین‌الملل سوسیالیستی" ادامه آن است مدافع جنگ امپریالیستی بودند. آنها با شعار دفاع از میهن جنگ خانمان برانگیز امپریالیست‌ها برای کسب غناچه و بازارهای جدید را توجیه و تأیید می‌کردند و در آن شرکت کردند. آنها به زائده امپریالیسم تبدیل شدند. پس از انقلاب اکثر روسیه و لنین و بلشویک‌ها با محکوم ساختن خیانت رهبران انترناسیونال دوم، انترناسیونال سوم یعنی سازمان همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان را تشکیل دادند. رهبران و احزاب بین‌الملل سوسیالیستی یا همان انترناسیونال ۲ دفاع سرخسازانه خود از سرمایه‌داری را ادامه دادند

و تبدیل به احزاب سرمایه‌داری تمام عیار شدند. که فقط نام سوسیالیست را ظاهراً حفظ کرده بودند. آنها امروزه نماینده منافع یک جناح از سرمایه‌داری و امپریالیسم هستند. حزب کارگر انگلستان، حزب سوسیال دمکرات فرانسه، حزب سوسیال دمکرات آلمان (به رهبری ویلی برانت) و... از جمله اعضای این بین‌الملل امپریالیستی هستند. آنها هر جا که زمام دولت‌ها را به دست گرفته‌اند در اساس همان سیاست‌های امپریالیستی را به پیش رانده‌اند و غارت و استثمار خلق‌ها را به پیش برده‌اند. بدینست اشاره کنیم که حزب کارگر اسرائیل که مدتها زمام امور دولت صهیونیستی اسرائیل را در دست داشته و گلدان مایر از رهبران "بنام" آن است نیز عضو همین

بین‌الملل هستند. نفیست سرگوبرگانه و ارتجاعی این حزب نیاز به توضیح بیشتری ندارد. و اکنون "رهبران" این بین‌الملل امپریالیستی به تهران آمده‌اند تا "انقلاب ایران را از نزدیک مورد ارزیابی قرار دهند."؟! برون گرایسکی و سایبر "رهبران" پس از ملاقات با بنی صدر اعلام کردند که "از انقلاب ایران پشتیبانی می‌کنند"؟! و در بسیاری از زمینه‌ها با ایران مواضع مشترکی دارند. جالب آنکه در بیانیه رسمی دفتر ریاست جمهوری در مورد سفر حضرات از آنها به عنوان نیروهای مترقی اروپا؟! یاد می‌شود. سیاستی تکیه بر اروپا برای مبارزه تا "دو ابر قدرت" چپ‌تری جز این هم از آب در نخواهد آمد. اما ما می‌پرسیم

همکاری و دانش مواضع مشترک با امپریالیست‌های اروپایی آیا بحر وارد کردن امپریالیسم آمریکا از در غت نیست؟ امپریالیست‌های اروپایی اساساً دارای منافع مشترکی با آمریکا بوده و مبارزه علیه آمریکا جدا از مبارزه علیه یاران و همکاران و همدستان آن یعنی جدا از مبارزه علیه امپریالیسم جهانی نیست. سفر این عناصر به تهران زمینه دیگری است از کوشش همه‌جانبه امپریالیست‌ها برای به شکست کشاندن جنبش ایران. مردم مانده‌اند این نیروها را مترقی می‌داند بلکه آنها را دشمن حسود می‌داند و هرگز دست‌دوستی به سوی آنها دراز خواهد کرد. سیاستی که دوسنی با امپریالیست‌های اروپایی را طرح می‌کند سیاسی مغایر با خواست‌های استقلال طلبانه مردم ایران است و این ناگفته پیداست که با استفاده صحیح از تضادهای درونی جهان سرمایه‌داری معاصر (امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا) تفاوت دارد!

توقیف نشریه کار و دستگیری توزیع کنندگان آن دشمنی با آرمان مردم است

● فشارهای وارده نمی‌تواند انقلابیون را از وظیفه و رسالت خود بازدارد. ما با تمام امکانات خود و با هوشیاری مبارزه با امپریالیسم آمریکا و دوستان و جاسوسان آن را تا پای جان ادامه خواهیم داد.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا همزمان با تدارکات عظیم نظامی و سازماندهی نیروهای خود در داخل و خارج از کشور، جنگ تبلیغاتی وسیعی را آغاز کرده است. دوستان و جاسوسان امپریالیسم از طریق رسانه‌های گروهی کشورهای امپریالیستی و کشورهای دست‌نشانده منطقه تبلیغات گسترده و مسموم‌کننده‌ای را علیه دستاوردهای خلق ما وسیماً گسترش داده‌اند. آنها در صدد فعال‌تر کردن نیروهای وابسته خود در داخل کشور هستند. خوراک تبلیغاتی رادیوها و کلیه رسانه‌های گروهی امپریالیسم، بر بستر یکسری از عملکردهای غیر دمکراتیک حاکمیت و همچنین عدم پاسخگویی به نیازهای مردم توده‌ها استوار است. امپریالیست‌ها با این تبلیغات خود تلاش دارند با توده‌ها را به انفعال سیاسی بکشاند و با از طریق عمال

خود در داخل کشور، بخت عقب افتاده و ناآگاه توده‌ها را در کانون‌های ضدانقلابی خود متشکل سازند تا بتوانند به وسیله نیروهای داخلی خود به ویژه در ارتش و با آنگاه به ناوگان نظامی و کشورهای ارتجاعی منطقه نظیر عراق پایگاه متعدد ضد انقلابی در ایران به وجود آورند. در این شرایط نیروهای انقلابی می‌توانند با تبلیغات سیاسی و افشاکاری امپریالیسم نقش مهمی در ارتقا آگاهی‌های توده‌ها و خنثی ساختن طرح‌های امپریالیسم ایفا کنند. هرکس در هر موقعیتی بخواهد مانع تحقق این امروغ و توده‌های زحمتکش ما را از تمام امکانات بالفعل خود برای مقابله با امپریالیسم محروم کند به امپریالیسم خدمت کرده است. به همین دلیل تهاجم به دفاتر سیاسی، جلوگیری از انتشار نشریات و روزنامه‌های مترقی و ضد امپریالیست، زیر فشار قرار دادن گروهها و سازمان‌های

ترقیخواه و انقلابی از جانب هر نیرویی که صورت گرفته باشد به نفع امپریالیسم تمام خواهد شد. در تکیه قرار دادن سازمان‌های سیاسی، مورد شکنجه و آزار قراردادن نیروهای هوادار آنان و زندانی کردنشان برای بخش و توزیع نشریات و اعلامیه‌های ضد امپریالیستی، عملاً به مفهوم خلع سلاح نمودن مردم در مقابل تبلیغات گسترده امپریالیسم است. گرایش فزاینده توده‌ها به طرف سازمان‌های سیاسی ترقیخواه، باعث وحشت عناصر قشری حاکمیت شده است تا بدانجا که برای جلوگیری از نشر افکار این سازمان‌ها، دانش‌آموزان و دانشجویان پیشگام، توزیع کننده این نشریات را طبق قوانین من‌دراوردی دادستان انقلاب بین ۳ تا ۶ ماه به زندان محکوم می‌کنند. در حالی که جایگزینان و ساواکی‌ها دسته دسته از زندان آزاد شده و بر سر کارهای سابق خود باز

تمام توان خود، برای خنثی نمودن نقشه‌های امپریالیسم اقدام کنند. آنهایی که در شرایط حساس کنونی، تضادهای درون خلق را دامن می‌زنند و نیروهای ضد امپریالیست را به جنگ فرسایشی بر علیه یکدیگر می‌کشاند، به نفع امپریالیسم عمل می‌کنند. بسیار روشن است که تبلیغات گسترده رادیو و مطبوعات دولتی بر علیه کمونیست‌ها و دیگر نیروهای انقلابی و محدود کردن فعالیت‌های نیروها و عناصر انقلابی آنگاه آسیاب امپریالیسم می‌ریزد. امروز دفاع از آزادی‌های دمکراتیک برای ارتقا آگاهی و شکل توده‌ها و خنثی نمودن تبلیغات مخرب امپریالیسم نیاز مبرم مردم ما است و توقیف نشریات نیروهای انقلابی و در راس آنها نشریه "کار" اقدامی است خواسته و نخواستی علیه منافع مردم و آرمان آنان که رهائی از سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است.



دو گرایش انحرافی مشخص جنبش کارگری ایران را تهدید می کند : ۱- آنا رکو سندیکالیسم ۲- رفرمیسم

(قسمت اول)

می پردازد. نمونه های بسیار دیگر از این قبیل، نشان می دهد که سیاست "حزب توده" نه بر مبنای منافع و خواست های توده ها و به ویژه کارگران، بلکه بر مبنای مصالح گروه های حاکمه حتی سازشکارترین محافل آن مبتنی است. این جنبش، گسترش صرفاً "قانونی" مبارزه را اصل قرار می دهد و مبارزات انقلابی توده ها را در چارچوب تنگ ضوابط عقب مانده محدود و محصور کرده و چه بسا متلاشی می سازد.

"حزب توده" از نظر حضور و شرکت در جنبش توده ای و بخصوص جنبش کارگری و سازماندهی حرکات اعتراضی آن، حتی یک گام انقلابی برداشته و اساساً فاقد حداقل پراتیک انقلابی کارگران بوده است. اینکه بطور روزمره (برخلاف سازمان پیکار و دیگران) این یا آن اشتباه چشمگیر و بارز در این یا آن کارخانه و کارگران از

این دو جریان انحرافی ظاهراً متفاوت، در یک مسئله اساسی با هم سهیمند و آن ایجاد احتلال و انحراف در امر تربیت و تشکل سوسیالیستی پرولتاریاست.

برخلاف آنارشیست ها که اساساً از موضع "پائین" (یعنی از همان موضع کسانی که تحت حاکمیت یک حکومت قرار دارند) با "بالا" (حاکمیت) برخورد می کنند و آنرا همواره و در هر شرایطی مورد عتاب قرار می دهند و نقش مبارزه غیرقانونی را مطلق می کنند، رفرمیست ها از این نظر در نقطه مقابل آنها قرار می گیرند، آنها عموماً از موضع و کانال حاکمیت و قانون، مسائلشان را مطرح می کنند و همواره با توجه به مصالح حاکمیت موجود، توده ها را "رهبری" می کنند! از اینرو در تعقیب و بررسی سیاست ها و شعارهای کارگری "حزب توده" نباید در لابلای

آنارکوسندیکالیسم (آنارشیسم و سندیکالیسم) یا اگر بخواهیم دقیق تر و کاملتر بگوئیم (در جنبش کارگری ایران) آنارشیسم و اکونومیسم، بمثابه دو وجه از یک انحراف واحد، تبلور و تبلورش را بیش از همه در "سازمان پیکار" و گروه های مشابه نشان می دهد، که در این مورد قبلاً کم و بیش بحث کرده ایم. در اینجا به رفورمیسم، بمثابه مشخصه سیاسی "حزب توده" و به ویژه در سیاست "کارگری" اش می پردازیم. امروز جنبش کارگری ایران (بواسطه فقدان سنت های مبارزاتی متشکل و فقر شعور سندیکائی) بیش از هر زمان دیگری نیازمند یک سیاست کارگری انقلابی و مرزبندی هرچهره تر و قاطعانه تر آن با انواع انحرافات است که دامنگیر این جنبش اند. تحقق صفت مستقل پرولتری در گروهی تدوین یک سیاست انقلابی کارگری و ترسیم یک مرزبندی مشخص با انحرافات رفورمیستی و آنارشیستی درون جنبش کارگری و کمونیستی ایران بوده و به تبلیغ و ترویج فعال و پیگیر این سیاست در طبقه کارگر ایران بستگی دارد. کوشش در جهت شناخت این انحرافات و سپس انتقاد، افشاء و از بین بردن آن، لازمه ترسیم یک مرزبندی روشن با این انحرافات است.

هرچند "حزب توده" در کارخانه ها، از نظر سیاست (سیاست پرولتری) فاقد حیات است، ولی نادیده گرفتن و یا کم بها دادن به تاثیرات سوء و مخرب بینش رفورمیستی آن، نه تنها نادرست، بلکه خطرناک است. باید بار دیگر تاکید کرد که "حزب توده" بزرگترین خطر انحراف از اصول و خط مشی انقلابی در جنبش کمونیستی ایران است.

لنین درباره ریشه ها و مختصات این دو انحراف چنین می نویسد:

او سر نمی زند، انعکاس یک سیاست کارگری متین نیست، بلکه به خاطر آن است که هیچگونه حضور مشخص و فعالی در این حرکات ندارد و از این نظر (فعالیت از "پائین") تقریباً مصداق این گفته رفیق هوشی این است که می گفت:

"تنها مرده ها هستند که اشتباه نمی کنند (چون حرکتی ندارند)."

هر چند "حزب توده" در کارخانه ها، از نظر سیاسی (سیاست پرولتری) فاقد حیات است ولی نادیده گرفتن و یا کم بها دادن به تاثیرات سوء و مخرب بینش رفورمیستی آن، نه تنها نادرست، بلکه خطرناک است. باید بار دیگر تاکید کرد که "حزب توده" بزرگترین خطر انحراف از اصول و خط مشی انقلابی در جنبش کمونیستی ایران، است. سیاست و تاکتیک های "حزب توده" در رابطه با مسائل کارگری و با طبقه کارگر قبل از هر چیز بر این پیشداوری و توهم استوار است که این جریان خود را "حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران" می نامد. حزب طراز نوین طبقه کارگر هم یعنی ستاد و سازمان سیاسی رهبری کننده طبقه کارگر و جنبش کارگری ایران. این ادعا در دو وجه می تواند بطور مشخص مورد ارزیابی قرار گیرد:

- ۱- میزان نفوذ و پیوند تشکیلاتی این "حزب" با طبقه کارگر ایران.
- ۲- ایدئولوژی، سیاست و تاکتیک هایی که معرف این "حزب" است. هرچند برای اطلاق کلمه حزب به یک طبقه در صفحه ۸

صوف اعتراضی توده های کارگر و در کارخانه ها و کارگاه ها بیهوده پرسه زنی. چون چیزی جز رد پاهای محو فورن ها (مبارزها) و سرپرست ها و معدودی "پرولتاریای بازنشسته" نخواهیم یافت. چون اینها در اندیشه تسخیر سنگرهای واقعی مبارزه نیستند. آنها چشمپاشان نگران کرسی های پارلمانی و میزهای کنفرانس ها است. این واقع بین های حقیقی "برای تسخیر سنگرها نیازی به برخورد سینه به سینه کارگران متشکل با طبقه سرمایه دار نمی بینند. و ترجیح می دهند که ابواب جمعی شانرا با کرنش از کنارش بگذرانند. چه، رفورمیسم "حزب توده" تنها دو مبارزه قانونی اش در چارچوب تبعیت بی چون و چرا از سیاست های "به شرقی نه غربی" خرد بورژوازی خلاصه نمی شود بلکه همچنین در کرنش ناگزیر آن در برابر بورژوازی، نیز خود را نشان می دهد. "حزب توده" هنگامی که از توطئه "ضد انقلاب" در سراسر ایران صحبت می کند، می گوید که:

"ضد انقلاب در مقابل اقدامات آقای مدنی (استاندار خوزستان) گارشکنی می کند و مانع از پیشرفت انقلاب می شود"

و این در شرایطی است که تیمسار مدنی دستور خروج دکلهای حفاری سانتافه را می دهد (یعنی در خدمت امپریالیسم به خلق ضربه می زند) بزعلیه شوراهای کارگری در سطح منطقه خوزستان به توطئه و تهاجم متوسل می شود، برخی از شوراها (ایران ترمینال و فولاد...) را سرکوب می کند و به کشتار بیرحمانه مردم خوزستان

"هم آنارکوسندیکالیسم و هم رفورمیسم را باید بعنوان محصول بلاواسطه جهان بینی بورژوازی و تاثیر آن بینش، مورد توجه قرار داد. آنها یک جنبه از جنبش کارگری را می گیرند و آنرا بطور یک بعدی و یک جانبه تا حد یک تئوری بالا می برند و متفقا آن جنبه را گو ویژگی شرایط مشخصی از مبارزه کارگران است، بمثابه یک نظریه تعمیم می دهد... اپورتونیسم راست... رفورم را به مثابه تحقق جزئی و گام به گام سوسیالیسم مورد توجه قرار می دهند و آنارکو - سندیکالیست ها (با قیافه های حق به چانه) "خردکاری" را (به ویژه در استفاده از پلا تفرم پارلمانی) مردود می دانند. ولی تاکتیک های آنارکو - سندیکالیست ها (علیرغم شکل متفاوتش با تاکتیک های رفورمیست ها) در عمل به همان مضمون صبر و انتظار برای "روزهای بزرگ" منتج می شود. صبر و انتظاری توأم با درماندگی و ناتوانی در بسیج نیروهای وسیع توده ای. هردوی اینها چیزی را مخفی می کنند که مهمترین و ضروری ترین چیزهاست. یعنی متحد ساختن کارگران در سازمان های بزرگ، قدرتمند و منضبط در تعهد به رسالتی که تحت هرگونه شرایطی دارند. یعنی تربیت و تشکل کارگرانی که با روح مبارزه طبقاتی، اهداف تاریخی شان را درک کرده و به جهان بینی واقعا انقلابی (مارکسیسم) تجهیز شده باشند."

(لنین - انحرافات در جنبش کارگری اروپا)

پر توان باد جنبش طبقه کارگر پيشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

توطئه های حکومت عراق و فعالیت عوامل وابسته به آن

خوزستان :

جنبش انقلابی توده های ایران، پیروزی قیام بهمن ماه و سرنگونی رژیم شاه ضمن برهم زدن تعادل قوا، به زبان سلطه امپریالیسم جهانی بر رشد جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های منطقه نیز تأثیری مثبت داشته است. این تأثیرات و نتایج بطور آشکاری رژیم های وابسته و ارتجاعی منطقه را دچار آشفتگی و نگرانی ساخته است.

رژیم بعثی عراق در شرایطی که بحران سیاسی داخلی ضرورت اعمال سیاست های خشن و فاشیستی را فراهم ساخته است و در شرایطی که به دلایل سیاسی - فرهنگی مشخص بیش از هر کشور دیگری در معرض تأثیر پذیری از مبارزات ایران است نخستین کشوری است در منطقه که در برابر حکومت جدید ایران علنا موضع خصمانه اتخاذ می کند. به این منظور رژیم عراق با انگشت گذاشتن روی نقاط ضعف اساسی حکومت جدید ایران (که از جانب آنها قابل بهره برداری است) یعنی مسئله خلق عرب مسئله جزایر تنب و ابوموسی و غیره هدف های خود را دنبال می کند.

سیاست ها و تاکتیک هائی که حکومت عراق در برخورد با زمامداران جدید ایران در پیش گرفته، اشکال متنوعی دارد که مهمترین آنها را در زیر توضیح می دهیم:

- ۱- برقراری ارتباط نزدیک با شیوخ و روسای عشایر عرب. ارسال اسلحه و مهمات از طریق آنها به منطقه، مسلح

ساختن توده های عشایر، به این وسیله و ایجاد موانعی جدی در راه تحکیم موقعیت و سلطه رژیم جدید در خوزستان (یا به اصطلاح بعثی ها حکام جدید ایران). شیوخ و روسای عشایر که عموماً وابسته و سرسپرده به رژیم شاه بودند و سالها به صورت اهرم های سرکوب و خفقان و عقب افتادگی فرهنگی و سیاسی انجام وظیفه کرده اند، به دنبال پیروزی قیام بهمن و برای نجات موقعیت متزلزل شده خود به دو صورت و از دو جهت دست به تلاش زدند. مضمون این تلاش در واقع یافتن تکیه گاه های جدید بود که بتواند با اتکا به آنها نتایج زیان بار خلاق قدرت ناشی از قیام را که به شدت متوجه آنها شده بود دفع نماید. بخشی از آنها که طرفی و کرمی از یک طرف و سالمی و مزرعه و آل علی از سوی دیگر نمایندگان برجسته شان محسوب می گردند علیرغم نزدیکی مسلم با رژیم شاه و ساواک و یا روابط نیمه آشکار، دور سفره رنگینی که مدنی برای آنها گسترده بود گرد آمدند و بخش دیگری عداوت و دشمنی دیرینه خود را با بعثی های عراق نادیده گرفته و دست دوستی عراق را که همراه با محموله های اسلحه و مهمات و کیسه های دینار عراقی و دلار امریکائی به سوی شان دراز شده بود فشردند.

تلوویزیون در اغلب نقاط خوزستان بخصوص نواحی عرب نشین، جنوب و غرب با اندکی دستکاری به خوبی تأدیرند برنامه های شبکه رادیو تلویزیون عراق را که در بصره تقویت می شود، پخش نمایند. برنامه های این شبکه بخصوص برنامه های تلویزیونی آن در میان اعراب خوزستان از اقبال چشم گیری برخوردار

رادیو عراق بطور روزانه گزارشات و اخبار از ایران انتشار می دهد. بسیاری از این اخبار بگلی جعلی هستند.

است. تنوع برنامه ها و عربی زبان بودن آنها دو امتیازی است که بهینده عرب را به دیدن برنامه های این شبکه ترغیب می نماید. ارگان های تبلیغاتی رژیم بعثی با بهره برداری از این امکان در طول سال گذشته متناسب با چرخش هایی که در سیاست آنها در قبال "جمهوری اسلامی" داده می شود برنامه پیوسته ولی گاه فشرده و گاه ملایمی را در زمینه تبلیغات علیه سیاست های ارگان ها می برند. گفته های سیاسی هرروزه و بخش های متوالی خبری بیشترین وظیفه را در این زمینه برعهده داشتند. ترتیب مصاحبه هائی با "برادران عرب پناهنده" و انتشار گزارشاتی پیرامون وضع رقت بار برادران عرب

برادران عرب " عربستان " اعتراض به ادامه اشغال سرزمین های عربی به دست اشغالگران ایرانی (منظور جزایر تنب و ابوموسی است) اعلام آمادگی نظامی برای پاک کردن این جزایر از وجود نژاد پرستان ایرانی، اعتراض به دستگیری و کشتار اعراب مبارز " عربستان "، اعتراض به ادامه اختناق و دیکتاتوری در سرزمین های عربی ایران، تشدید بحران اقتصادی و بنگاری و غیره مضمون اصلی گفتارهای سیاسی این شبکه محسوب می گردند.

رادیو عراق همچنین بطور روزانه گزارشات و اخبار از ایران انتشار می دهد. بسیاری از این اخبار بگلی جعلی هستند. برای مثال

فصلی، جاسی، مزار پور و دیگران از جمله معروفترین شیوخی بودند که همکاری و نزدیکی با عراق را پذیرفتند. مکی فیضی از وابستگان به دربار بود و هم اکنون در عراق به سر می برد ولی سید هادی مزاری پور قبلاً به جرم جاسوسی به نمود عراق دستگیر و زندانی شده بود و پس از خلاصی از

مخصوصاً مایحتاج نایاب شده مردم نظیر ناید، روغن نباتی و حتی زرد چوبه مبادرت می نماید.

سالمی، مزرعه و آل علی از مزدوران سازمان امنیت بودند که توسط مدنی به آنها اجازه فعالیت صادقانه در راه جمهوری اسلامی ایران داده شده بود.

رژیم بعثی عراق اخیراً به منظور توجیح سلاح در میان توده های عرب و تشویق آنان به خرابکاری شیوه دیگری نیز به شیوه های سابق خود افزوده است. مأموران مرزی عراق در مناطق بستان، ابوجلاچ، خوابه و سدیه در میان روستائیان عرب به توزیع اسلحه همراه با مواد غذایی نظیر برنج، روغن و

رادیو بصره در جریان درگذشت آیت الله طالقانی خبر می دهد که " خمینی با ریختن زهر در غذای طالقانی او را به قتل رسانیده است" و یا در توصیف ابعاد بحران اجتماعی - اقتصادی در ایران، در طول حکومت زمامداران جدید بیش از ۲ میلیون نفر در اثر گرسنگی و قحطی به هلاکت رسیدمانند و یا اعلامیه های جعلی بنام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران قرائت می نماید.

اعلامیه های گروه های سیاسی "عربستان" انتشار اخبار و گزارش های مستند و یا فیلم های خبری از انفجارها و خرابکاری ها قسمت دیگری از فعالیت تبلیغاتی رژیم بعثی عراق است.

گمک به شکل نیروها و جریان هائی که برای پیشبرد اهداف و مقاصد رژیم بعثی در منطقه مفید تشخیص داده می شود. کوشش در ایجاد ارتباط ارگانیک با این تشکله ها. سازمان ها و دستجات زیر از ج این تشکله ها به شمار می رود. "الحركة الجماهيرية العربيه في الايران". این جریان بین ۲۵ تا ۳۰ خرداد ۵۸ بیانیه ای انتشار می دهد و طی آن موجودیت خود را اعلام می دارد. یعنی قریب ۳۰ روز پس از سرکوب خونین خلقی عرب و از هم پاشیدن "سازمان سیاسی خلق عرب" که سازمانی مشخصاً وابسته به عراق و زیر نفوذ شیوخ و روسای مرتجع و سرسپرده عشایر بود.

بقیه در صفحه ۷

x هجوم سرکوبگرانه ارتش و نیروهای مسلح رژیم به سایر سازمان های خلقی عرب هم چنین به تصرف کانون فرهنگی خلق عرب (محمرة) که جریانی دمکرات و دارای جناح های رادیکال بود منجر گردید. در بخش دیگر این گزارش ما به معرفی این سازمان خواهیم پرداخت.

زندان مدتی کوتاه با حمایت فیصلی توانست موقعیت مالی خوبی برای خود دست و پا کند. این شخص به دنبال درگیری های خرمشهر به عراق متواری شد.

در این اعلامیه ها، سازمان به شدت ارتجاع حاکم در ایران را مورد حمله قرار می دهد.

گسسته باد همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی نظامی، و فرهنگی



خوزستان :

توطئه های حکومت عراق و فعالیت عوامل وابسته ...

بقیماز صفحه ۶

"الحرکت الجماهيرية... به احتمال قوی با گرد هم آمدن قسمتی از عناصر تشکیل دهنده "سازمان سیاسی خلق عرب" شکل گرفته است مهمترین چهره آن شیخ کریم نعمه یکی از ماموران برجسته سازمان امنیت شاه است که سالها قبل برای جاسوسی از طرف ساواک به ماموریت فرستاده شده بود. عراق این شخص را دستگیر و در تحویل و تحولاتی که صورت می گرفت

می باشد. در شهر پایگاهی در میان روشنفکران و محصلین یعنی نیروی فعال سیاسی خلق عرب ندارند. قرائن و شواهد موجود نشان می دهد که این گروه هسته اصلی و سازمان یافته نیرویی است که عملیات خرابکارانه و بمب گذاری چند ماه اخیر را انجام داده است.

نقش موثر الجماهيرية در انفجارات جنوب کاملاً تأیید شده است.

جنبش مجاهدین خلق سلطان عرب ایران:

جلوه دادن خود از ننگ رابطه با عراق و یا عناصر مرتجع محلی دارد ولی به صراحت می توان اطمینان داد که پیشنهاد کمک از سوی رژیم یعنی عراق را همواره پذیرفته است. همچنانکه حمایت مکی فیصلی و کارون و دیگر وابستگان محلی و شیوخ مرتجع و سرسپرده را.

این جریان حاصل تمایلات و گرایشات شوینستی استوار شده عناصر رهبری خود

آزادانه تر فعالیت و یا برخورداری از حمایت جناحهایی از هیئت حاکمه که در صدد بهره برداری از بحران سیاسی منطقه برآیند و احتمالهای دیگر از جمله شرایط مناسبی خواهند بود که به گسترش فعالیت و ارتباط آنها با توده های عرب منجر خواهد گردید) سیاست سرکوبگرانه هیئت حاکمه در قبال خلقها و ادامه ستم و نابرابری ملی در شرایط رشد آگاهیهایی دمکراتیک در میان توده های عرب خطر رشد گرایشات ناسیونالیستی در میان توده های عرب و تقویت مواضع بورژوازی عرب را افزایش داده است.

این شرایط توانستند با هسته ها و گروه های خشمگین جدیدالولاده که از کمترین تجربه سیاسی محروم بودند و مقابله با دشمن ملی خود را تنها در مقابله نظامی آنها با رسوبات چریکی می پنداشتند. رابطه برقرار سازند و با تعهد در اختیار گذاشتن سلاح و مهمات آموزش افراد آنها نفوذ سیاسی خود را بر آنها اعمال نمایند گروه های نظیر چهارشنبه سیاه xxx و یک گروه چریکی صاعقه که هر یک طی بیانیه هایی مسئولیت یک رشته از عملیات خرابکاری در منطقه از قبیل آتش زدن انبارها، حمله به فرودگاه های آبادان و اهواز، انفجار لوله های نفت و ... به عهده گرفتند، از این دسته محسوب می گردند.

تلاشی سازمان های سیاسی خلق عرب در جریان تهاجم اردیبهشت ۵۸ و گسترش موج دستگیری ها و اعدام های فاشیستی ادامه فعالیت قانونی و علنی بسیاری از عناصر آگاه که پس از پیروزی قیام به میدان مبارزه سیاسی گام نهاده بودند را به شدت دشوار ساخت.

تحویل ایران داده. این جریان در راهپیمایی ای که حدود ۲ ماه قبل در اهواز ترتیب داده بود، عکسهای صدام حسین را با خود حمل می کردند و آشکارا به نفع رژیم یعنی عراق شعار می دادند. در بیانیه های خود از به اصل خودمختاری مبارزه با کمونیسم و اتحاد عشایر عرب جانبداری می کند. در برخی از اعلامیه های خود نیز از صدام حسین به نام "بطل" یا قائد اعظم نام می برد. فعالیت این گروه نسبتاً محدود است. (البته فعالیت آشکار آنها نشریه ای منتشر می کند به نام "الثوره...") که بطور منظم انتشار می یابد افراد آن عموماً مسلح هستند و حتی در راهپیمایی ها نیز بصورت مسلح شرکت می کنند نیروی عمده ای که این جریان در اختیار دارد، توده های عشیره ای ساکن نواحی در سوئگرد، بسن و ابوجلاچ

این جریان نیز به دنبال منلاشی شدن سازمان سیاسی خلق عرب " به صورت فعال تری در عرصه سیاسی منطقه ظاهر شد. تبلیغ به نفع شیخ محمد ظاهر و دفاع از مواضع لیبرالی وی مضمون اصلی فعالیت های این گروه را تشکیل می دهد. دعوت به انجام چند راهپیمایی در خرمشهر که طی آن بازگشت شیخ محمد ظاهر آل شبیر خاقانی به عنوان اساسی ترین خواست مطرح می شود، از جمله فعالیت های این گروه است. "جنبش مجاهدین خلق مسلمان عرب" به زعم ما جریانی است متشکل از بخشی نیروهای لیبرال با گرایش های ناسیونالیستی افراطی. عناصر اصلی تشکیل دهنده این جریان نیز به احتمال قوی از بازماندگان اصلی "سازمان سیاسی خلق عرب" و فعالین قبلی آن می باشند. این جریان هرچند کوشش بسیاری برای منزه

می باشد. تمایلاتی که با تجزیه طلبی فاصله چندانی ندارند. پایگاه اجتماعی این جریان را بخشی از بورژوازی بومی عرب، لایه هایی از شیوخ که در نتیجه بسط مناسب سرمایه داری از فئودال های عشیره نشین به سهامداران شرکت های گشتگرانی، حق العمل کاری، پیمانکاری و ... تغییر موقعیت یافته اند. ولی هنوز از امکاناتی که سنت و عرف عشیره در اختیارشان قرار داده بهره مند هستند. ونیز بخش هایی از خرده بورژوازی شهر و روستا که تحت فشار ستم ملی به نفوذ ایدئولوژی ناسیونالیستی بورژوازی تسلیم شده اند و همچنین گروه هایی از محصلین و روشنفکران شهری تشکیل می دهند.

به همین جهت چنانچه خلا سیاسی موجود ادامه یابد، چنانچه سازمان های سیاسی مترقی و انقلابی خلق عرب نتوانند به وظایف خطیر خود در قبال زحمتکشان خلق خود عمل نموده و در جهت برقراری پیوند هرچه وسیع تر و هرچه سریع تر با توده های زحمتکش شهر و روستا و هدایت نارضایتی ها و مبارزات رو به فزونی توده ها و تشکل آنان بطور موثر حرکت نمایند، جریان اخیر در صورت فراهم شدن شرایط مناسب سیاسی خواهد توانست پایگاه خود را در میان توده های عرب گسترش دهد (فراهم شدن امکان

گروه ها و دستجات چریکی کوچک تلاش سازمان های سیاسی خلق عرب در جریان تهاجم اردیبهشت ۵۸ و گسترش موج دستگیری ها و اعدام های فاشیستی ادامه فعالیت قانونی و علنی بسیاری از عناصر آگاه که پس از پیروزی قیام به میدان مبارزه سیاسی گام نهاده بودند را به شدت دشوار ساخت. قهر و عصبیت ناشی از سرکوب و تلخی حاصل از پیروزی سهل الوصول رژیم حاکم. برای رشد گرایشات کور انتقام جویانه، بخصوص در میان توده های جوان و تازه به میدان آمده شهری زمینه مناسبی فراهم ساخت. xx این گرایشات به ویژه در مقطعی که ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در آبادان به تصرف کمیته ها در آمده بود و فعالیت سازمان عمدتاً بسیار محدود شده بود و در شرایطی که دیگر گروه ها و سازمان ها به دلیل ضعف و عدم توانایی از پرداختن به مسائل خلق عرب شانه خالی می کردند، عوامل بعضی فرصت طلائی یافتند این عوامل با استفاده از

xx عراق به دنبال وقوع زوب خرمشهر اعلام نمود هرکسی که به انتقام خون برادران عرب خود یکی از مراکز اقتصادی - اداری - اجتماعی دولتی و یا متعلق به زرادستان ضد عرب را منفجر ساخته و یا طعمه حریق نماید و بتواند با مدارک مستندی اقدام خود را اثبات نماید. دولت عراق به وی ۶ هزار دینار عراقی به اضافه یک قبضه کلاشینکف و فشنگ کافی و مهمات مورد علاقه هدیه خواهد کرد.

xxx این گروه نام خود را از چهارشنبه ۹ اردیبهشت ۵۸ گرفته است روزی که نیروهای ارتش، پاسداران و شبه نظامیان محلی به سازمانهای سیاسی و فرهنگی خلق عرب خرمشهر حمله کرده و پس از به تصرف در آوردن این مراکز اعتراض توده های عرب شهری و روستائی این منطقه را با وحشیگری سرکوب نمودند.

با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

دو گرایش انحرافی مشخص ...

بقیماز صفحه ۵

تشکیلاتی اش به اندازه تئوری و سیاستش تعیین کننده نیست و ما بر آن نیستیم که به صرف بضاعت ناچیز این "حزب" در نفوذ و پیوند تشکیلاتی، مسئله حزب بودن یا نبودنش را زیر علامت سؤال قرار دهیم، بلکه محور برخورد ما با دیدگاه سیاست و تاکتیکهای آن، در قبال جنبش کارگری ایران است. ولی ادعاهای واهی رهبران این جریان چه در گذشته و چه حال، همواره حاکی از تلاشی مذبحخانه در جهت تصویر ابعادی مبالغهآمیز و دروغین از واقعیت وجودی اش و نفوذ توده‌های آن بوده و هست. آقای کیانوری یک هفته قبل از قیام، در مصاحبه‌های در خارج از کشور، وقتی که در باره اعتصابات عظیم نفتگران از او می‌پرسند، به دروغ ادعا می‌کند که "کارگران نفت، تنها از حزب توده، تبعیت می‌کنند".

(روزنامه اطلاعات، ۱۶ بهمن ماه ۵۷)
کسی که ادعای کمونیست بودن دارد، باید بداند که کمونیست‌ها هیچگاه به مردم دروغ نمی‌گویند. متعاقب اعلام این نظر از سوی کیانوری و انتشار آن در ایران، کارگران نفت جنوب با شنیدن آن، به خشم می‌آیند و طی یک تظاهرات، نفوذ و انزجارشان را از این ادعا و این "حزب" صاحب نفوذ نشان دادند. اعتراض وسیع توده کارگران، میزان "نفوذ توده‌های درجه" محبوبیت آن را به درستی نشان داد. از قیام تاکنون نیز که دوره پر جنب و جوشی در جنبش کارگری ایران بود، و حرکات خود انگیخته بسیاری به وقوع پیوست، اثری از حضور و شرکت این "حزب" در آنها دیده نشد تا تبعیت کارگران از سیاست‌های آن، اساسا مطرح شود. حزب توده عینیت حرکات کارگری را نمی‌تواند و نمی‌خواهد ببیند و تاکتیک‌هایش نیز پیوندی با خواست‌ها و حرکات عینا موجود کارگران ندارد. زیرا همانند همه رفرمیست‌ها اساس تاکتیک‌هایش نه بر مبنای عمل مستقیم کارگران بر علیه کارفرمایان، بلکه بر پایه مباحثات روسا (که به نام توده‌ها صورت می‌گیرد) قرار دارد (سندیکاهای سرخ) تبلیغ و ترویج سیاسی این "حزب" برای کارگران، نه بر محور وظایف سوسیالیستی و یا وظایف دمکراتیک پرولتری بلکه حداکثر حول مصالح خرد بورژوازی، آنهم در چارچوب مبارزات قانونی صورت می‌گیرد و نشان می‌دهد که عزمش را جزم کرده است تا آنجا که در توان دارد تحقق صف مستقل پرولتری را مخدوش کرده و ضرورتش را عملا منکر شود. حزب توده به امر حیاتی تبلیغ و ترویج پیگیرانه سوسیال دمکراسی و سازماندهی طبقه کارگر برای تامین هژمونی پرولتاریا اعتقادی ندارد. این حزب سازماندهی طبقه کارگر را در چارچوب حزب توده ایران متبلور می‌بیند و از ضرورت سازماندهی طبقه کارگر ایران، ضرورت وجودی خود را می‌فهمد رفرمیست‌های حزب سوسیال دمکرات روسیه در سالهای ۱۱-۱۹۱۰ نیز این شعار را موعظه می‌کردند که: آنچه که برای پرولتاریا ضرورت دارد، یک حزب طبقه کارگر است نه هژمونی آن و لنین تاکید می‌کرد:

حزب طبقه کارگری که به وظایف اولیه‌اش یعنی تبلیغ و ترویج پیگیرانه سوسیال دمکراسی و بسیج و تشکل پرولتاریای انقلابی به منظور کسب هژمونی طبقه کارگر، عمل نکند، حزبی ارتجاعی است. درکی که حزب توده از تشکلهای عینسی کارگری (سندیکا و شورا و...) دارد درکسی فرصت طلبانه و در عین حال سطحی است. او از سندیکای طبقاتی حرف می‌زند ولی در عمل بدان اعتقاد ندارد و درکش از شورا نه شورای انقلابی بلکه شوراهای حل اختلاف و حکمیت و یا حداکثر شوراهای مشورتی است. در آستانه قیام و پس از آن در بسیاری از واحدهای کارگری، شوراهای بر زمینه اعتراضات و حرکات انقلابی خود انگیخته و از درون کمیته‌های اعتصابی کارخانه سر برآوردند و تشکل شورائی شکل عمده تشکل توده‌های در کارخانه‌ها گردید و نقش مهمی در جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها و همچنین ارتقاء سطح مبارزاتی کارگران ایفا نمود.

حزب طبقه کارگری که به وظایف اولیه‌اش یعنی تبلیغ و ترویج پیگیرانه سوسیال دموکراسی و بسیج و تشکل پرولتاریای انقلابی به منظور کسب هژمونی طبقه کارگر، عمل نکند، حزبی ارتجاعی است. لنین

مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک به عینی‌ترین و مشخص‌ترین وجه خود، تجلی‌اش را در شوراهای نشان داد. مبارزه بر علیه قوانین و آئین ناممکن‌های ضد کارگری، تصفیه و پاکسازی بسیاری از عناصر ساواکی و مزدور، مبارزه بر علیه سرمایه‌داران وابسته به دربار و امپریالیزم و فشار انقلابی برای مصادره کارخانجات و اموال آنها و دولتی کردنشان، به راه انداختن واحدهای تولیدی که (در جریان قیام و با فشار سرمایه‌داران) از کار افتاده بود و سپس کنترل و اداره امور آن، و سازماندهی مبارزات کارگران برای کسب حقوق صنفی و... از جمله اقدامات انقلابی شوراهای بود. شکل‌گیری شوراهای عمده در چارچوب عمل مستقیم توده کارگران در ابعادی وسیع صورت پذیرفت.

اعتصاب، تظاهرات، اشغال کارخانه و کارگاه، تحریم، تشکیل کمیته‌های اعتصاب یا نبرد، تعقیب و دستگیری عناصر جاسوس و ضد کارگر در بین صفوف کارگران تحمیل کنترل کارگری به کارفرمایان در عمل مبارزاتی... از جمله اشکال مختلف عمل مستقیم کارگران محسوب می‌شود.

(سندیکاهای سرخ - از اسناد کمینترن)
لنین در این رابطه تاکید می‌کند:
وظیفه ما این است که عمل مستقیم کارگران را به سنگ بنای فعالیت خود بدل کنیم و این وظیفه نیز تنها در صورتی می‌تواند تحقق یابد که عمل مستقیم کارگران، اساس تاکتیک‌های ما را تشکیل دهد.
ادامه دارد (از اسناد کمینترن)

آقای وزیر دارایی! راه جبران کسری بودجه بیکار کردن کارمندان دولت نیست

از بی‌عدالتی رسوا کنند... در نظام مالیاتی و دارایی... حیل کردن را... بستن وزارتخانه‌ها به منته... اخراج کارمندان... درست می‌داند.
آقای وزیر دارایی! جای پیشنهاد کاستن حقوق و مزایای کارکنان تا به حدی که از روی گرسنگی کار خود را رها بکنید چگونه باید از نیروی فعال در جهت نیازهای توده‌های همرو زحمتکش مهربان ما بهره‌برداری کرد. از قریب به یک میلیون هفتصد هزار نفر مزد و حقوقشان کنونی زندگی را نمی‌گذرد. آقای وزیر دارایی! چرا صحبت حقوق‌های ۲۰ هزار تو بیشتر از آن را نمی‌کنی؟ کسانی که این حقوقه میگیرند نیز کارمند هستند. برای کاستن حقوق این دسته نیاز: بستن وزارتخانه‌ها نیست. کارمندان دولت توده‌های محروم و زحمتکش ایران هستند. حقوق‌ها هستند. کاره دولت مالیه است تحت شدید تورم قرار داشته هر روز به روشنی می‌بیند سهم بیشتری از درآمدات طریق افزایش قیمت‌ها سرمایه‌داران منتقل می‌تورم روز افزون کنونی برای کاستن از حقوق "مزایای توده کارکنان دولت باقی نگذاشته" آنچه را که شما خواستید. سرمایه‌داران در حال دانش هستند. این جوان هر روز قیمت بالاتر می‌برند و از قریب مزد و حقوق کار دولت و نیز کارگران و زحمتکش مهربان ما می‌تواند بداند که به مبارک خود به می‌خواهد چنان بودجه را بر سر کار مالتی است به جای اینکه محروم بکوبد.

وزیر دارایی در کنفرانس مطبوعاتی هفته گذشته گفت برای کم کردن هزینه دولت باید انقلابی عمل شود و در وزارتخانه‌ها بسته شود و این وزارتخانه‌ها بنا به احتیاجاتشان مجددا شروع به استخدام کنند. با اینکه "بناحیه وضع خانوادگی کارمندان در آمد آنها، حقوق و مزایای آنها را پانزده بیارویم، به حدی که کار برای این نوع کارمندان در دستگاه دولتی صرف نداشته باشد!"
این فرمایشات حکیمانه سرآغاز بحث‌هایی است که در هفته‌های آینده از جانب مقامات دولتی برای توجیه ۴۰۰ میلیارد ریال کسری بودجه عنوان خواهد شد. آنچه روشن است این که کسری بودجه به منای افزودن به ضلع تورم خانمان سوزی است که همراه با بیکاری و فقر کارگران و زحمتکش را هر روز افزون می‌کند.
آقای وزیر دارایی باید بهتر بداند که ۷۸ درصد از درآمد دولت از محل فروش نفت تامین خواهد شد و بقیه آن مالتی‌هاست. است که از کارگران و زحمتکش گرفته می‌شود. در سال گذشته تنها ۱۷ درصد از درآمد دولت قرار بود از محل مالتی‌ها به دست آید و آن هم عمدتا مالتی بوده است که کارگران و زحمتکشان بطور مستقیم یا غیر مستقیم پرداخته‌اند.
پیش‌بینی بودجه سال ۱۳۵۸ شرکت‌های خصوصی (سرمایه داران) تنها ۱۲ درصد از کل مالتی‌ها را پرداخته‌اند و مالتی بر مستغلات و بهره حتی به یک درصد از کل مالتی‌ها نمی‌رسیده است (۵/۹ درصد). در بودجه سال اخیر نیز وضع بهتر از این نیست. بدین ترتیب، آقای وزیر دارایی که مسئول جمع‌آوری مالتی‌ها و طرح پیشنهاد برای قوانین مالیاتی است به جای اینکه محروم بکوبد.

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



گزارشی از سفر هیئت نمایندگی اتحادیه‌ها و شوراها روستائی ترکمن صحرا به تهران

نمایندگان اتحادیه‌ها و شوراها روستائی نشان دادند که همه زحمتکشان چه فارس، چه ترکمن، چه زابلی و غیره در برابر دشمن مشترک یعنی امپریالیسم و متحدان آن، که سرمایه‌داران و زمینداران هستند، با هم متحد و یکپارچه‌اند.

صحرا هستند که با تحکیم تشکل خود و تقویت اتحاد و روح همکاری و یگانگی می‌توانند و باید جلوی هرگونه توطئه و دسیسه‌چینی غاصبین، زمینداران بزرگ و ابدی آنها را بگیرند و با اتحاد عمل خود نقشه‌های تفرقه‌افکنانه آنها را خنثی نمایند. وحدت ارادمو اتحاد عمل زحمتکشان ترکمن صحرا در فعالیتهای نمایندگان آنها در تهران که مشکل از زحمتکشان زابلی، بلوچ، فارس و ترکمن بودند بخوبی تجلی یافت. نمایندگان اتحادیه‌های روستائی ترکمن صحرا با وحدت خود نشان دادند که همه زحمتکشان چه فارس، چه ترکمن و چه زابلی در مبارزه علیه امپریالیسم و متحدان داخلی آن که سرمایه‌داران و زمینداران و مزدوران آنها هستند متحد میگردند. نمایندگان اتحادیه‌های روستائی ترکمن صحرا در مصاحبه‌های متعدد خود که با مطبوعات و رسانه‌های گروهی به عمل آوردند، نشان دادند که این موضوع را درک کرده و این گام‌های اساسی نیز در راه ایجاد فضای وحدت و تهاجم بین زحمتکشان منطقه برداشته‌اند.

رئیس جمهور پیش امام رفته‌اند" و... مواجه شدند تا این که بالاخره موفق شدند که با دونفر از "دفتر اسنان‌ها" به صحبت بنشینند. دلایل و شواهد نمایندگان اتحادیه‌ها از عملکرد دولت، زاندرمری و فتودال‌ها در این مذاکرات بقدری دقیق و غیرقابل انکار بود که با وجود اینکه مسئولان دولتی نظر خوبی نسبت به نمایندگان زحمتکشان ترکمن صحرا نشان نمی‌دادند، نتوانستند از عهده جوابگویی برآیند و در عوض با طرح سئوال‌ها و مسائل انحرافی کوشش کردند که مسائل فرعی را عمده‌کنند. آنها عاقبت با وعده اینکه گزارشی از خواسته‌های نمایندگان اتحادیه‌ها را به رئیس جمهور می‌دهند، مذاکرات را به پایان رساندند. نمایندگان اتحادیه‌های دهقانی روستاهای ترکمن صحرا پس از دو روز دوندگی و تماس با مقامات مسئول مملکتی از قبیل شورای انقلاب، مقامات وزارت کشاورزی و دفتر ریاست جمهوری و مشاهده بی‌توجهی این مقامات نسبت به خواسته‌های زحمتکشان منطقه و هشدارهای آنها در رابطه با توطئه فتودال‌ها و غاصبین به این نتیجه رسیدند که در شرایط فعلی این خود- شوراها دهقانی و اتحادیه‌های دهقانی ترکمن

اقدامات آنها از فعالیت‌های ضدانقلابی زمینداران بزرگ و حامیان آنها در ارگان‌های دولتی به منظور ایجاد تقاضی و دوستی بین اقوام ترک، زابلی، فارس و ترکمن منطقه برده برداشتند.

نمایندگان سبیه‌شورای انقلاب رفتند، تا در آنجا هم خواسته‌های خود را مطرح کنند و از مقامات شورای انقلاب بخواهند که با آنها در جهت جلوگیری از خرابکاری‌های زمینداران بزرگ همکاری نمایند، لیکن نماینده شورای انقلاب بدون آنکه توجهی به گفته‌های نمایندگان زحمتکشان ترکمن صحرا داشته باشد، بعضی افراد مترقی منطقه را مورد اهانت و افترا قرار داد و آنها را همدست عناصر ارتجاعی و ضد انقلاب نامید او به گفته یکی از نمایندگان زحمتکشان کوچکترین توجهی نمی‌کرد که می‌گفت:

فتودال‌ها و زمینداران با همکاری مقامات دولتی جلساتی ترتیب می‌دهند و توطئه می‌کنند.

صبح روز بعد ۱ خرداد ۵۹ تعدادی از نمایندگان اتحادیه‌ها به دفتر رئیس جمهور رفتند و خواستار ملاقات با ایشان شدند. لیکن با بهانه‌هایی از قبیل "آقای رئیس جمهور خسته هستند" یا اینکه "آقای

۲- ابقاء هیئت ۵ نفری حل مساله ارضی که حدود ۷ ماه پیش به منطقه اعزام شده بود. ظوماری که نمایندگان به همراه داشتند در نائید همین هیئت و اعتراض به هیئت ۷ نفری جدید و ترکیب آن بود.

۳- تداوم پرداخت وام به زحمتکشان روستا از طریق شوراها با توجه به ضرورت کثت محصولات بهاره. پرداخت این وام‌ها همزمان با بازگشت هیئت ۵ نفره به تهران قطع شده است.

۴- از آنجا که زمینداران بزرگ و فتودال‌ها وسایل کشاورزی از قبیل کمباین را از منطقه خارج نموده‌اند و نظر به اهمیت این وسایل برای برداشت محصول، دولت وظیفه دارد شوراها روستائی را از این نظر تامین نماید.

آقای رضا اصفهانی در پاسخ ابتدا کارکنی‌ها و محدودیت‌هایی را که توسط ارگان‌ها و افراد مسئول بر سر راه انجام وظایف ایشان ایجاد می‌شود برشمرده و ضمن حمایت از خواسته‌های برحق زحمتکشان ترکمن صحرا، قول داد تا آنجا که می‌تواند در جهت پاسخگویی به مشکلات مردم منطقه اقدام کند.

نمایندگان اتحادیه‌های روستائی نیز ضمن اعلام پشتیبانی از هیئت ۵ نفره حل مساله ارضی و تأکید

هیاتی از نمایندگان اتحادیه‌ها و شوراها روستائی ترکمن صحرا جهت ملاقات با مسئولین دولتی و مطرح کردن مسائل منطقه در فصل درو و پیشگیری از توطئه‌های زمینداران بزرگ و فتودال‌ها برای خرابکاری در امر برداشت محصول شوراها، روز ۳۱ اردیبهشت ۵۹ به تهران آمدند.

نمایندگان اتحادیه‌های مناطق مختلف ترکمن صحرا (کلاله، کند، آق قلا، بندر ترکمن) که تعداد آنها به ۳۵ نفر می‌رسید با طوماری که هزاران نفر از زحمتکشان روستاهای منطقه آن را امضاء کرده بودند، ابتدا با آقای رضا اصفهانی معاون وزارت کشاورزی ملاقات نمودند و مسائل خود را در چهار مورد زیر با ایشان در میان گذاشتند:

۱- اعلام حمایت دولت از شوراها دهقانی ترکمن صحرا از طریق رادیو - تلویزیون، مبنی بر اینکه اراضی کثت شده توسط شوراها، باید توسط خود آنها برداشت شود.

نمایندگان از دولت خواستند که به زمینداران بزرگ، فتودال‌ها و ابدی آنها اخطار شود که هرگونه توطئه‌چینی و مزاحمت آنها در امر برداشت محصول در عکس‌النمل شدید دولت مواجه خواهد شد.



الف	ب	ج	د	ز	ح	ط	ظ	ف	ک	م	ن	و	ی
۱۶۲۲۲	۱۵۰۰۹	۱۰۰۰۲	۱۰۷۶۰	۲۲۱۹	۲۰۲۱۸	۱۰۷۶۰	۲۲۱۹	۲۰۲۱۸	۱۰۷۶۰	۲۲۱۹	۲۰۲۱۸	۱۰۷۶۰	۲۲۱۹
۱۵۰۰	۳۰۰۰	۲۰۱۰	۱۲۲۲	۵۰۹	۵۱۱۱	۱۲۲۲	۵۰۹	۵۱۱۱	۱۲۲۲	۵۰۹	۵۱۱۱	۱۲۲۲	۵۰۹
۱۵۲۳	۱۲۰۰	۵۱۰	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۰۰۱۸	۲۲۲۲	۲۰۰۱۸	۲۲۲۲	۲۰۰۱۸	۲۲۲۲	۲۰۰۱۸	۲۲۲۲	۲۰۰۱۸
۱۵۱۶	۱۲۹۶۶	۸۰۰	۱۲۱۸	۲۲۲۲	۱۲۱۸	۲۲۲۲	۱۲۱۸	۲۲۲۲	۱۲۱۸	۲۲۲۲	۱۲۱۸	۲۲۲۲	۱۲۱۸
۱۵۱۱۹	۲۱۰۰۰	۵۰۰	۱۲۱۸	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲
۵۰۲۵	۵۰۲۵	۱۰۳۳۳	۱۰۳۳۳	۱۰۳۳۳	۱۰۳۳۳	۱۰۳۳۳	۱۰۳۳۳	۱۰۳۳۳	۱۰۳۳۳	۱۰۳۳۳	۱۰۳۳۳	۱۰۳۳۳	۱۰۳۳۳
۳۵۲	۲۲۵۸	۱۰۰۱۰۱	۲۲۵۸	۲۲۵۸	۲۲۵۸	۲۲۵۸	۲۲۵۸	۲۲۵۸	۲۲۵۸	۲۲۵۸	۲۲۵۸	۲۲۵۸	۲۲۵۸
۱۰۳۲۳	۱۰۳۲۳	۲۲۵۸	۱۰۳۲۳	۱۰۳۲۳	۱۰۳۲۳	۱۰۳۲۳	۱۰۳۲۳	۱۰۳۲۳	۱۰۳۲۳	۱۰۳۲۳	۱۰۳۲۳	۱۰۳۲۳	۱۰۳۲۳
۳۰۰۲	۳۰۰۲	۲۲۵۸	۳۰۰۲	۳۰۰۲	۳۰۰۲	۳۰۰۲	۳۰۰۲	۳۰۰۲	۳۰۰۲	۳۰۰۲	۳۰۰۲	۳۰۰۲	۳۰۰۲
۳۰۱۸	۳۰۱۸	۲۲۵۸	۳۰۱۸	۳۰۱۸	۳۰۱۸	۳۰۱۸	۳۰۱۸	۳۰۱۸	۳۰۱۸	۳۰۱۸	۳۰۱۸	۳۰۱۸	۳۰۱۸
۲۰۹۷	۲۰۹۷	۲۲۵۸	۲۰۹۷	۲۰۹۷	۲۰۹۷	۲۰۹۷	۲۰۹۷	۲۰۹۷	۲۰۹۷	۲۰۹۷	۲۰۹۷	۲۰۹۷	۲۰۹۷
۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۲۵۸	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰
۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۲۵۸	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰
۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۲۵۸	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰
۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۲۵۸	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰
۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۲۵۸	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰
۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۲۵۸	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰
۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۲۵۸	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰
۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۲۵۸	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰
۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۲۵۸	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰
۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۲۵۸	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰
۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۲۵۸	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰
۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۲۵۸	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰
۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۲۵۸	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰
۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۲۵۸	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰
۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۲۵۸	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰
۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۲۵۸	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰
۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۲۵۸	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰
۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۲۵۸	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰
۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۲۵۸	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰
۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۲۵۸	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰
۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۲۵۸	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰
۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۲۵۸	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰

با جمع آوری کمکهای مالی

سازمان را برپرسند

حسین انقلابی خلق حمایت کنیم

حسین انقلابی خلق همباز ایران سپاس به حامیان و پشتیبانان مردم میهنان آسمان است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در اجرای وظایف تعلیم انقلابی که برعهده وی قرار گرفته است اکنون بیش از پیش به کمکهای مالی هم میهنان و هواداران سازمان نیاز مبرم دارد.

با جمع آوری کمکهای مالی سازمان را از دست دشمنان داخلی و حامیان دولت خارج سازیم.

حسین انقلابی خلق حمایت کنید

سازمان پرودا جان جود اول نام خود را همراه با عددی دلخواه که احساس می‌کنید به سازمان می‌دهد. کد "کار" به همراه حرف اول نام شما در شرف کسب "جاب" خواهد شد تا شما از رسیدن کمکها به سازمان مطلع شوید.

کمکهای مالی دریافت شده

فایل توجه رفا!

با توجه به اینکه گاهی نامها نامطلوب است ارسال کمکهای مالی از جانب شما و تنظیم "جاب" کده مبلغ "در کار" به همدست می‌کنند. در صورت چاپ شدن "کد" مبلغ خود بعد از به جهت دریافت خواهد شد.



نارضائی سربازان و...

آوبهنگ

نقشه از صفحه ۱۲

سنجد

دوشنبه ۵ خرداد

بیشترکه شجاع فدائی رفیق "اقبال" اصلانی با خون خود برجم سرخ رهایی زحمتکشانش را خونین تر نمود. فدائی شهید رفیق "اقبال" همانند یک فدائی واقعی کمونیست و آزادی طلب، دلیرانه جنگید و صادقانه جان داد. رفیق "اقبال" همراه رفقای دیگرش "جمیل بخالی" و "صدیق زاری" جز رفقای بودند که از دبیرستان نظام صنعتی "مسجد سلیمان" به سازمان ما ملحق شده بودند. هر سه رفیق راه زحمتکشانش را با پای جان پیش گرفتند. جنازه رفیق با شرکت اهالی شهر و همراهی پیشمرگان طی مراسمی به خاک سپرده شد.

در این مراسم یکی از روسائیان و یکی از پیشمرگان سازمان درباره جنبش مقاومت سخنرانی کردند.

دوشنبه ۵ خرداد

مردم آگاه و قهرمان پرور روستای آوبهنگ جنازه رفیق فدائی "توفیق رجب پور" را طی مراسم خاصی به خاک سپردند. رفیق فدائی "توفیق رجب پور" در نبردی با نیروهای ارتش در جبهه حسن آباد به شهادت رسید. نیروهای ارتش با پرتاب خمپاره اقدام به بیسروی نموده و قصد داشتند بسیر پشت فرودگاه را تصرف کنند. در سه روز گذشته پیشمرگه‌ها گام به گام در مقابل تهاجم آنها دلیرانه با داری کرده و این درگیری هنوز ادامه دارد. در مراسم تشییع جنازه رفیق یکی از ریش سفیدان روستا سخنرانی کرد و سپس یکی از پیشمرگه‌های سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در رابطه با گذشته مبارزاتی رفیق و وضعیت فعلی کردستان سخنرانی کرد.

تانکها و خودروها و مهمات آن به دست نیروهای جنبش مقاومت افتاد. شهر خالی از سکنه با به دست ارتش افتاد. مردم نمی‌توانند حضور سرکوبگران و تانکهای فرزندانشان خود را در شهر تحمل نمایند.

سنجد

سنجد ۱۰ خرداد ارتش مانع بازگشت مردم آواره سفر به خانه و کاشانه‌شان می‌باشد. به دنبال حمله غافلگیرانه ارتش به سنجد و محاصره و گلوله باران بیش از یک ماه شهر عده زیادی از مردم بی دفاع که خانه و کاشانه‌شان بر سرشان خراب شده بود و با افرادی از خانواده خود را از دست داده بودند، آوردن شهرها و روستاهای اطراف شدند که دهها هزار نفر از این عده (طبق آمار ساد امداد یوگان بیش از ۳۰ هزار نفر) به شهر یوگان پناه آوردند و از طرف مردم در اردوگاهها، مدارس و منازل اسکان داده شدند. مردم سنجد پس از تحمل بیش از یک ماه

آوارگی و کمبودهای فراوان از قیام نبودن مواد غذایی درمان، وسایل سوخت، پوشاک، چادر، پتو و... به دلیل محاصره اقتصاد کردستان و بددستال آرا شدن سبی خبر سفر دبیرستانی در یوگان با حضور هزاران نفر و نمایندگان نیروهای سیاسی عضو هیئت نمایندگی خلق کرد تصمیم به برگشتن به خانه‌ها و بران خود می‌گیرند. اولین دسته‌ای که روز بعد از خرداد وارد سنجد می‌شوند مورد حمله ارتش فرار گرفته افرادی از آنان که اکثر زنان و دختران جوان هستند اسیر می‌شوند و شب نیز مناطق مختلف سنجد اطراف پادگان زیر آتش توپ و خمپاره و سایر سلاح‌ها سنگین قرار می‌گیرد. کمدای کشته و زخمی خانه‌های زیادی ویران می‌شود. آوارگان که به سنجد برگشته‌اند، دوباره مجبور به ترک شهر می‌شوند و بازم به تعداد آوارگان افزوده می‌شود.

یازدهمین کنگره شوراهای روستائی ترکمن صحرا

● "حاصل دسترنج و زحمات چندین ماهه مبارزات گذشته ما محصولی است که شورائی کشت گردیده و می‌باید که شورائی هم برداشت شود."

"محصول شوراهای ترکمن صحرا، در صورتی که بدون خرابکاری زمینداران بزرگ و فئودالها و حامیان آنها صورت بگیرد قادر است پاسخگوی بسیاری از نیازهای مردم میهن ما باشد."

یازدهمین گردهمایی شوراهای روستائی ترکمن صحرا، نخستین بار پس از جنگ تحمیلی بهمن ماه، روز سه شنبه ۳۰ اردیبهشت ۵۹ در روستای "آق دگیش" برگزار گردید.

در این گردهمایی که مصادف بود با یکصدمین روز شهادت ۳ تن از اعضای شوراهای روستائی "آق دگیش" و "کولی بایندر" "کاکا بزموئه"، "امان دردی" "نوماچی پور" و "محمد سرشار" مسئله برداشت محصول مورد بررسی قرار گرفت و چند تن از اعضای اتحادیه سراسری رهنمودهای اتحادیه را پیروان چگونگی برداشت

بمحصول و حفظ و حراست از آن به روستائیان یادآور شدند. یکی از اعضای اتحادیه سراسری ضمن سخنان خود گفت:

"حاصل دسترنج و زحمات چندین ماهه و مبارزات گذشته ما محصولی است که شورائی کشت گردیده و می‌باید که شورائی هم برداشت شود. زمینداران بزرگ همانطوری که همواره نشان داده‌اند به هیچوجه دست از توطند برخواهند داشت و به‌عناوین مختلف می‌خواهند محیط را متشنج کنند و دسترنج ما را از بین ببرند. همد شوراهای روستائی باید با هوشیاری تمام به حفاظت از محصول بپردازند. نگهبانی دهند و این محصول را که در واقع

متعلق به همه مردم ایران است، در شرایط حساسی که آمریکای جنایتکار توطئه‌های رنگارنگی تدارک دیده است حفظ و حراست نمایند و جلوی هرگونه اجحاف و فشار به زحمتکشانش را بگیرند. محصول غلذ ترکمن صحرا در صورتی که با هوشیاری شوراهای اتحادیه سراسری بدون خرابکاری زمینداران بزرگ و فئودالها و حامیان آنها صورت بگیرد، قادر است پاسخگوی بسیاری از نیازهای مردم میهن ما باشد. باید به این مسئولیت خطیر توجه داشته باشیم و توطند زمینداران و عوامل امپریالیسم را در هر لباس و مقامی خنثی کنیم."

آنگاه یکی دیگر از اعضای بر ضرورت همکاری هرچه بیشتر مردم با شوراهای

اتحادیه‌های روستائی ترکمن صحرا در هنگام برداشت محصول، از همه جوانان روستا، محصلین و معلمین خواست تا مثل همیشه در کنار زحمتکشانش و همراه با آنان با توطئه‌ها و جنگ‌افروزی‌های زمینداران بزرگ و خرابکاری آنها در امر برداشت محصول مقابله نمایند. وی سپس ضمن محکوم نمودن سرکوب و کشتار خلق کرد اظهار داشت که در این شرایط امپریالیسم امریکا به انواع حیلها متوسل می‌گردد تا مبارزات انقلابی مردم ایران را سرکوب نماید. فرماندهان مزدور ارتش نیز برای حفظ منافع اربابان خود به کمک سایر دوستان و جاسوسان امپریالیسم سعی می‌کنند با جنگ‌افروزی مردم میهن ما را در مقابل یکدیگر قرار دهند. او اعلام کرد که:

"خلق قهرمان کرد در واقع مصائب این سیاست

را بد دوش می‌کشند و تنها بدخاطر خواست‌های بحق و عادلانه‌اش اینچنین با توپ و خمپاره بستنی می‌شود. برای زحمتکش ترکمن صحرا کاملاً روشنی است که اینگونه جنگ‌ها تحمیلی در جهت منافع چه کسانی است و آنگاه از تشکله اتحاد مرده می‌ترسند چه کسانی هستند."

در خاتمه پیام گردهمایی شوراهای ترکمن صحرا به خلق قهرمان کرد فرستاد گردید. یکی از اعضای خانواده شهدا ضمن اشاره به سابقه مبارزاتی آنان، در مورد علل جنگ‌های تحمیلی فروردین و بهمن ماه ترکمن صحرا سخنرانی ایراد نمود. گردهمایی که از ساعت ۱۰ صبح آغاز گردیده بود ساعت ۱۲/۵ پایان یافت و کلیه شرکت‌کنندگان برای تجلیل از اعضای شهید شورائی روستائی "آق دگیش" دسته‌جمعی به خانه‌های آنان رفتند.

سرکوبگران خلق کُرد دشمن همه خلقهای ایران هستند



چایکاران زحمتکش شمال با تمام تلاش خود در پی بهبود تولیدند، لیکن عدم توجه دولت به خواسته ها و نیازهای مردم عملا سد راه تلاش انقلابی آنها در جهت بهبود وضع اقتصادی کشور است

امروز ۱۵ ماه سن ار فام، گری، کمبود کالاهای، کتاری و... هر روز شی از سن زحمتکاران میهن ما را بر سر خار حردکننده خود قرار می دهد. در این میان امریالسم امریکا این دشمن اصلی همه زحمتکاران جهان بر سر خار اقتصادی، سیاسی و نظامی خود را بر مردم ما خردم می آید تا ساید ما بر استفاده از بار صانتهای موجود بتواند حکومت دست ساد خود را بر زاس قدرت ساید. لیکن مردم مبارز ایران، اگرچه هر روز بار فلک رورافرونی اقتصادی اجتماعی و سیاسی خود را در دوش خود احساس می کنند اما مایب سد خلقی ساسهای امریالسم و دوسان و حاسوسان آن راه حربه در می یابند و هر چه خسر می فهمد که تنها راه چاب، آنگا، بر سر و توان سارزانی خود در حلیل

سکلاتشان و مازره هر چه می آمان تر با امریالسم، سرمایه داران و زمینداران بزرگ است. آنها علیرغم ناتوانی دولت در برخورد با مشکلات متعدد زحمتکاران، علیرغم بی برنامگی سازمانها و مقامات دولتی و علیرغم مشکلات متعددی که بر سر راه حل مشکلات فوق توسط خود مردم ایجاد می کنند، با تلاش و کوشش شانه روزی شان امر تولید را پیش می برند. پیروزی دهقانان ترکمن صحرا در امر افزایش تولید تنها یک نمونه از قدرت شکفت انگیز زحمتکشانی است که از طریق شوراهای واقعی شان سرنوشت کاشت و داشت و برداشت را خود برعهده دارند. زحمتکاران ترکمن صحرا طی سال گذشته علیرغم کشتار و سرکوبی که در آنها تحمیل شده است، موفق شده اند محصولات خود در برخی مناطق حتی تسا

حدود ۴ برابر افزایش دهند. نامه ربر سر که از طرف عده ای از چایکاران شمال به دست ما رسیده است، نمونه دیگری است از اینکه چگونه زحمتکاران با تمام تلاش خود در پی بهبود تولیدند، لیکن لدام کاری بی برنامگی و عدم توجه دولت به خواسته ها و نیازهای مردم عملا سد راه تلاش انقلابی آنها در جهت بهبود وضع اقتصادی کشور است.

هراس از کوباه کردن دست سرمایه داران و زمینداران بزرگ، از طرف هر مقام و سازمانی که صورت گیرد، چه خواهد و چه خواهد بهترین رسته را برای اعمال فشار امریالسم فراهم می آورد. این ککه زادر نامه چایکاران شمال حوسی می توان دید:

زحمتکش تولیدات های را نسبت به سال گذشته اضافه نموده ایم و در عصری که خرید جای انحصارا در دست دولت (حامی مستضعفین) است در این هفته از تاریخ ۲/۱۸ الی ۲/۲۴ فقط یک روز محصول جای از کشاورزان خریداری نموده است. دولت با این عمل حدود ضررهای جبران ناپذیری به کارگران و کشاورزان تحمیل نموده است و مطلع هستید که با ظرافتی که برگ سز جای دارد باید برگ سز چنده شده غیرتجوبلی را بدور رخت و ما کشاورزان را از نظر مادی و معنوی واسه سر به کشورهای امریالستی می نماید. لیزدا ما از رورپامه طبقه کارگران و کشاورزان می خواهیم که صدای رسای ما را به گوش هم سپشان عزیزمان برسانند.

عده ای از چایکاران شمال

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و حزب دمکرات کردستان ایران به خلقهای قهرمان ایران و همه نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست

بسی از دو ماه است که آتش جنگ تحمیلی ر در کردستان سرافروخته اند. این جنگ تاکنون به قیمت شهادت و مجروح شدن هزاران نفر از زنان و مردان و کودکان بیگناه کرد تمام شده است و هر روز اعداد فاجعه آمیزی به خود می گیرد. زیدون نزدیک سیدید مخاصات موجود در کردستان در موقعیتی که مردم ما درگیر یک مبارزه تاریخی و سرنوشت ساز با امریالسم جهانی به سرکردگی امریالسم امریکا می باشند و در موقعیتی که بیش از هر زمان دیگر وحدت نیروهای ضد امریالیست یک ضرورت بنیادی است به مبارزات ضد امریالیستی - دمکراتیک مردم میهن ما لطبات جدی وارد خواهد ساخت. امریالیسم امریکا و همه متحدان داخلی آن ستر از هر زمان دیگر بر آن شده اند به هر قسمتی که شده مبارزات مردم ما علیه امریالیسم را به مبارزات میان صفوف مردم بدزد، کنند و با ایجاد و دامن زدن به جنگ برادرکشی وحدت خلقها و زحمتکاران ایران را خنده دار سازند، هم اکنون در برخی مناطق کردستان دستجات مسلح وابسته به رژیم بعث عراق و پس مانده های رژیم سرنگون شده سلطنتی به منابه کارگران و عوامل امریالیسم جنایتکار امریکا می کوشند آتش جنگ برادرکشی را همچنان شعله ور نگاهدارند از جانب دیگر محافل جنگ افروز در حاکمیت نیز با نادیده گرفتن حقوق عادلانه و طبیعی خلق کرد و با سیاست های جنگ طلبانه خود زمینه لازم را جهت گسترش میدان عمل نیروهای وابسته به امریالیسم در منطقه را فراهم می آورند. اعزام نیروی ارتش و سپاه پاسداران جهت سرکوب، محاصره اقتصادی یعنی بستن راه ورود هرگونه مایحتاج عمومی و تلفیفات مسموم کننده علیه نیروهای سیاسی مسئول در کردستان، نتیجه ای جز تشدید درگیری ها و نابود ساختن فضای تفاهم آمر جهت حل مسالمت آمیز مسئله کردستان نخواهد بود. تمام آن نیروها و

عناصری که به سرکوب خواسته های عادلانه خلق کرد می اندیشند یک بار برای همیشه باید بدانند که برای مسئله کردستان راه حل نظامی وجود ندارد. و هر کوششی در این زمینه همانند تهاجم گذشته با شکست روبرو خواهد گردید و عواقب آن متوجه همان کسانی است که نمی خواهند خواسته های عادلانه خلق کرد را مورد تأیید قرار دهند. چنین اوضاعی بدون تردید گرانای عمیق همه نیروهای انقلابی و همه آنها بی را که به پیروزی نهایی مردم ما در مبارزه ضد امریالیستی می اندیشند برمی انگیزد بدین لحاظ ما ضمن دفاع از حقوق عادلانه خلق کرد از تمام کوششهایی که متضمن برقراری صلح در کردستان باشد قاطعانه حمایت می کنیم و با تمام نیرو جهت تحقق آنها تلاش می نماییم اما با کمال تأسف مشاهده می شود تمام کوششهایی که از جانب نیروهای مسئول منطقه جهت برقراری آتش بس و آغاز مذاکرات به عمل آمده بواسطه عملکرد نیروهای جنگ افروز و تمام آنها بی که موجودیت خود را در گرو مخاصات موجود می دانند با شکست مواجه گردیده است و دولت همچنان به سیاست لشکرکشی خود به کردستان ادامه می دهد و در روزهای گذشته علیرغم اینکه رئیس جمهور بنی صدر در چند مورد اعلام نمود خواسته های خلق کرد مورد تأیید قرار گرفته است و هیئتی جهت آغاز مذاکره به کردستان خواهند رفت، اما رئیس جمهور حاضر به اعلام رسمی پذیرش آنچه از جانب خود وی مطرح شده بود نگردید. هیچ هیئتی نیز برای مذاکره به منطقه نیامد و رئیس جمهور عملا تسلیم سیاست سئله کردستان را از راه قصد دارند به هر قیمت مسئله کردستان را از راه تشدید جنگ تحمیلی حل نمایند. حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به خاطر تحکیم صفوف نیروهای ضد امریالیست میهنمان و جلوگیری از جنگ برادرکشی در کردستان یک بار دیگر از رئیس

جمهور بنی صدر می خواهد که نظرات اصلاحی دولت را نسبت به شی اصل خود بخاری پیشنهادی از جانب حزب دمکرات رسماً اعلام نماید. پذیرش رسمی این خواسته ها همراه با اعلام آتش بس و داس محاصره اقتصادی کردستان فضای لازم جهت گفت و سوند و حل مسالمت آمیز مسئله کردستان را بار خواهد نمود. ما بار دیگر جدا و قاطعانه از مقامات مسئول و همه آنها بی که نگران سرنوشت مبارزات صدامرانیستی - دمکراتیک مردم میهنمان هستیم می خواهیم - تلاش نیروهای مسئول در کردستان به خاطر برقراری صلحی عادلانه مدانه حمایت به عمل آورند. خلق کرد و نیروهای سیاسی مسئول آن به استناد تمام شواهد عینی هیچگاه جنگ طلب نبودند و امروز نیز از هر اقدامی که منضم برقراری صلح در کردستان باشد با تمام توان خود حمایت می کنند. ما مردم مبارز میهنمان را به داوری و تکم می طلسم و از آنها می خواهیم تا محکوم نمود عناصر و عوامل جنگ افروز از کوشش سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و حزب دمکرات کردستان ایران در برقراری صلح در کردستان حمایت کنند. اسد که با حقوق بخشدن به اتحاد و برادری همه خلقهای ایران سلطه امریالیسم جنایتکار امریکا را از حساب اجتماعی میهنمان براندازیم و با تأمین حقوق زحمتکاران و خلقهای سیدیده، ایرانی آزاد و دمکراتیک را بنا نسیم.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
حزب دمکرات کردستان ایران
۷ خردادماه ۱۳۵۹

اخبار کردستان

نارضائی سربازان و درجه داران ارتش از جنگ کردستان پیوسته افزایش می یابد

سردشت شنبه ۳ خرداد از چند روز قبل به دنبال سقوط پایگاه ربط و پاسگاه کفته پرسنل مستقر در پایگاه ملاشیخ امتصاب غذا کرده و غذای ارسالی پادگان را نمی پذیرند. این افراد به دستگیری ۲۲ نفر از پرسنل این پایگاه که ۱۲ تن از آنها در پادگان سردشت و ۱۵ نفر دیگرشان در پادگان کرمانشاه زندانی هستند متعرض می باشند. برطبق اخبار رسیده اختلافات شدیدی در میان پرسنل پادگان سردشت نیز بروز کرده است که بیشتر ناشی از نارضایتی این پرسنل از درگیری های اخیر کردستان و عدم تعویض بموقع نیروهای داخل پادگان است.

در این درگیری ۲ پشمرک شهید و دوتن دیگر زخمی شدند.

هلی کوپترهای نیروی هوایی لحتهای از بالای ستون دور نمی شدند و مرتباً مواضع

ارتش قصد محاصره شهر بانه را داشت با پشمرگان در محل (گورنه خان) آغاز شد



پشمرگان را گلوله باران می کردند. در این درگیری ۵ فروند تانک منهدم شد و ۹ فروند دیگر نیز به دست پشمرگان افتاد. علاوه بر این ۵۸۰ نفر از بقایای ستون از جمله فرمانده آن دستگیر شدند.

این درگیری به مدت ۸ ساعت ادامه داشت و در پایان از آن ستون عظیم نظامی جز تعدادی کشته و زخمی و ۵ فروند تانک منهدم شده و تعداد کثیری اسیر چیزی به جای نمانده بود. درگیری هنگامی آغاز شد که

پشمرگان به مدت ۸ ساعت ادامه داشت و در پایان از آن ستون عظیم نظامی جز تعدادی کشته و زخمی و ۵ فروند تانک منهدم شده و تعداد کثیری اسیر چیزی به جای نمانده بود. درگیری هنگامی آغاز شد که

بقیه در صفحه ۱۵

بانه دوشنبه ۵ خرداد در اولین ساعات تب ۴ خرداد ۵۹ درگیری میان ستون عظیمی که به پشتیبانی چندین تانک و زرهپوش و در زیر پوشش هلی کوپترهای

کارگران چایخانه یادگاران در برابر توطئه انحلال شورا واخراج شش تن از کارگزاران مقاومت می کنند

می شوند. کارگران مبارز چایخانه یادگاران د خلال این حربهان به روشنی در می یابند که هدف توطئه مشترک مدیریت چایخانه و مسئولین سپاه، قبل از هر چیز اخراج کارگران آگاه و فعال و همچنین انحلال شورای انقلابی چایخانه بوده است. کارگران می گویند: "از آنجا که شورای ما جز تلاش بیگانه در جهت دفاع از خودمندان و تأمین خواسته ها و ارائه راه حل های اصولی و سازنده در جهت حل مشکلات کارگران و چایخانه قدیمی برداشته است، ما انحلال شورابیمان را عملی ضد کارگری دانسته و اینگونه اقدامات را محکوم می کنیم. کارگران چایخانه یادگاران بطور یکپارچه اعلام داشتند که " ما بدون حضور همه کارگران این چایخانه و بدون وجود شورا حاضر به ادامه کار نیستیم". به دنبال آن سپاه پاسداران ۵ کارگر بازداشت شده را آزاد کردند ولی از آنجا که هنوز خواسته های اصلی کارگران یعنی تشبیه شورا سازکت کارگران اخراجی بر سر کار بی پاسخ مانده است کارگران همچنان به مقاومت خود ادامه می دهند.

اقدامی می زنند که با واکنش اعتراضی عموم کارگران مواجه می شوند. کارگران در برابر انحلال خودسرانه شورا بوسله پاسداران در رأس خواسته های که مطرح کرده بودند بر تحکم و تشبیه شورایشان تأکید می کنند. اما مسئولین سپاه پاسداران نهنه انحلال شورا را اعلام می کنند بلکه تصمیم می گیرند که شش نفر از کارگران مبارز را (که ۳ نفرشان از نمایندگان شورا هستند) تحت عنوان "تصد انقلاب و اختلالگر" اخراج نمایند. این اقدام توطئه آشکار و ضد کارگری مسئولین سپاه پاسداران درست در شرایطی صورت می گیرد که با چاره اندیشی مسئولان شورا، کارگران تصمیم داشتند همگی سر کارها حاضر شوند و خواسته های خود را حین انجام کار پیگیری نمایند. ولی وقتی که کارگران با اخراج نمایندگان خود مواجه می شوند بطور یکپارچه دست از کار می کشند و بعد از چند روز وقتی که تمام کارگران در مقابل چایخانه جمع می شوند تا با نمایندگی سندیکای چای و وزارت کار ملاقات کنند، ۵ نفر از کارگران اخراج شده توسط پاسداران بازداشت

اندازی ها و اختلال مدیریت بر علیه کارگران و شورا می ست. بعنوان مثال، شورا چایخانه بخاطر تیراژ محدود صبح آزادگان ضرر می دهد به مدیریت پیشنهاد کرد که چایخانه برای جلوگیری از این ضرر، کارهای مختلف چایی (روزنامه، نشریه و ...) را قبول کند و منحصر به انتشار محدود صبح آزادگان منگی نباشد. ولی مدیریت چایخانه که خود در مقابل پیشنهادات منطقی نمایندگان شورا ناتوان می بیند، چایخانه را به سپاه پاسداران واگذار می کند و این دورا مستقیماً در مقابل یکدیگر قرار می دهد. مدیریت چایخانه از همان آغاز این واگذاری به مسئولین سپاه پاسداران "هشدار" می دهند که "تکلیف نان را با شورا بکسره کنید چون که این شورا در کارها خیلی دخالت می کند" و متعاقب آن می بینیم که مسئولین سپاه به محض ورودشان به چایخانه، اولین اقدامی که می کنند تهاجم به شورا و انحلال خودسرانه آن است. آنها بدون آنکه به خواسته های کارگران توجهی بنمایند دست به چنین

کارگران چایخانه یادگاران پس از تعطیل روزنامه آندگان و مدتی بلا تکلیفی و سرگردانی، سرانجام پس از آنکه این چایخانه تحت کنترل بنیاد مستضعفین درآمد به سر کار خود بازگشتند. کارگران برای دفاع از منافع و خواسته های خود شورایی تشکیل دادند که این شورا به گواهی عموم کارگران از آغاز تشکیل تاکنون در جهت تأمین منافع و خواسته های کارگران و پیگیرانه تلاش نموده و گام های موثری برداشته است. این چایخانه به واسطه تیراژ محدود روزنامه صبح آزادگان در آمد نا زلی داشت و مدیریت چایخانه همواره می گویند تا بخاطر درآمد محدود آن فشار ناشی از هزینه چاپ را بر حقوق و کارگران را بیش از پیش در مضیقه قرار دهد. ولی هر بار شورا، در دفاع فعالانه از منافع واقعی کارگران، مانع از اقدامات ضد کارگری و اجحافات مدیریت چایخانه می شده است و در مقابل انواع پهنه ها و اشکالاتی های او با پیشنهادات عملی و سازنده اش راه را برای سگ -

یادش دای پانزده خرداد گرامی باد

پانزدهم خرداد سالگرد قیام خونین خرداد ۴۳، یادآور روزی خوین در تاریخ مبارزات حماسه آفرین خلقهای دلاور میهن ماست در خرداد خونین ۴۳ توده های خلق ما در مقابل ارتش تا بن دندان مسلح دولت ضد خلقی شاه دست به مقاومتی تا پای جان زدند و حماسه آفریدند. حرکت مبارزه جوانان مردم ما، ماهیت اصلاحات امپریالیستی را کما حدف شدید غارت و استثمار خلقهای میهن ما طراحی شده بود، بر ملا ساخت و نشان داد که فرقه های شاهانه نمی تواند مردم ما را از مبارزه برای سرنگون ساختن رژیم شاه و سلطه امپریالیسم بازدارد.

قیام پانزده خرداد با مصوبی صدامیرالیستی شکل گرفت. توده های شهری در تهران و سپس شهرستانها به خیابان ریختند و با تظاهرات و مقاومت خود، کینه و نفرت عمیق خود را به امپریالیسم و رژیم دست نشانده اش فریاد کشیدند. شاه دستور سرکوب مبارزات را صادر کرد. فرماندهان مزدور مردم سیلاح را در خیابانها به گلوله بستند و هزاران تن از مردم زحمتکش میهن ما را به شهادت رساندند. پرسنل انقلابی ارتش اسلحه های خود را علیه فرماندهان مزدور نشانه رفتند و به صفوف مردم پیوستند. ارتش سرانجام با کشتار هزاران نفر در تهران و شهرستانها قیام را فرو نشاند. قیام پانزده خرداد اگر چه سرکوب شد، اما نواست در سهای گرانبهایی برای مردم مبار آوردهای انقلابی خلق پس از پانزده خرداد مبارزات خود را با تشکیل های نوینی گسترش بخشیده و حرکت های نوینی را سازمان دادند.

بذری که در ۱۵ خرداد پاشیده عد، با خیزش توده های خلق در سال ۵۶ رژیم شاه را به گور سرد و شاهنشاهی دوهزار و پانصدساله را سرنگون ساخت ما با تمهیل از خاطر شهیدای دلاور ۱۵ خرداد و تمامی شهیدای راه استقلال و آزادی ایران یکبار دیگر پیمان می بندیم که برای تحقق آرمان شهیدای خلق، همه توان خود را علیه امپریالیسم امریکا، این دشمن همه زحمتکشان جهان و متحدان داخلی آن به کار گیریم و در راه پیروزی خلق کیمران از نثار خون خود گذریم نکنیم. یاد شهیدای پانزده خرداد و تمامی شهیدای خلق گرامی باد

فرماندهان نظامی در فکر کودتا هستند

بنا به اطلاع واسطه در یکی از پایگاه های هوایی در ریاست ۲۴ الی ۲/۸ بعد از نیمه شب به تاریخ ۳ خرداد ۵۹ (سرهال شده) پناهی راموشی درباره ملیت کردها شنیده می شود. این پیام گامی چند دقیقه ای بود که طی آن امرای مطبات را به علت شرایط نامناسب "کنسل" (طبی شده) اعلام می دارد. مطابق تحقیقاتی که به عمل آمد توطئه ای نشان می داد که در این شب توطئه ای از جانب عناصر فرمانداری ارتش در شرق انجام بوده است. مطابق آیین تحقیقات مرهانی شب (شب شده) که کالامه ملوک راموشی شنیده شد:

دست تمام هواپیمای پایگاه ۱۶امه برای پرواز شغریای دروغبارت کرده بودند. این هواپیمای که بمبهای ۷۵۰ پوندی حمل می کند همگی که تعدادشان ۲۰ الی ۲۲ فروند است آماده پرواز بودند. در ضمن کلبه هواپیمای میهمر به بمب و راکت و حتی ۸ فروند آن بمبهای ۷۵۰ پوندی سوار کرده بود. تا آن زمان برای پرواز به کرمانشاه ۸ تا ۱۰ فروند هواپیمای برای پرواز آماده می شد و این وضعیت غیر عادی را نشان می دهد.

۳- گروه بلخوی و صلح پایگاه که حدوداً ۵۰ نفر مسلح و از اعضای انجمن اسلامی بافتنیز قبل یعنی جمعه به میهن بازگشتن از امرام شده بودند و پادگان از وجود آنان عالی بود. ۴- سرگروه کربن فرمانده مطبات پایگاه و سرگروه مطبات پایگاه با حمله و تسبیح نماینده امام (آقای رفوان) را برای مدت ۲۲ ساعت از پایگاه خارج می کند. ۵- برادر فوق نشان می دهد که چگونه فرماندهان ارتش به راحتی آزادانه در بی توطئه ای خود هستند. ۶- ملایم حشاد و اشکالهای که از جانب نیروهای سیاسی، انقلابی و رفیقهای کورا صورت گرفته است - همچنان در کربن و نظام امریکای حاکم بر ارتش مست نظیره عالی مانده است. ۷- هر چند این توطئه فلا قار نظیرا مده بود که در برابر سرزم رایشه های مبارز ایران به چایی روند ولی تطل در برابری اعتراض تودهای و خط و پیامی ارغاش پیشین ارتش و ابای مسان فرماندهان تصمیم امریکای به حتی هموار کردن راه بساری تسلط امپریالیسم امریکا و دستمان جاسوسان آن - به حتی پشت کردن به مصالح خلق و زحمتکشان است.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

اکثریت و...

بقیه از صفحه ۱ ضمیمه

افته بود. حال آنکه با رفقای اقلیت چنین ادراک مشترکی هرگز وجود نداشته است.

رفقا حاضر نیستند موضع خود را نسبت به آن تئوری عامی که این یا آن عمل خاص را تبیین می کند، مشخص کنند. رفقا حاضر نیستند روی آن ساخت ایدئولوژیک که مبنای فکری و تئوریک این یا آن خط مشی را مشخص می سازد، موضعگیری کنند. رفقا می خواهند جدا از هر گونه مبنای فکری مشترک برای ما خط و برنامه تدوین کنند. حال آنکه درست بر عکس بر اساس ادراکات واحد ایدئولوژیک است که کمونیستها به تدوین خط مشی و برنامه استراتژی و تاکتیک خود کمر می بندند. گمانیکه پس از دست یابی اکثریت به حداقل مبنای، برای انجام وظایف مبرمی که مبارزات حاد طبقاتی برعهده سازمان گذاشته بود، با تدوین و انتشار ضمیمه کار ۳۵ به پاسخ مشخص برای پاره های مسائل دست می یابیم.

همانگونه که اشتباه بزرگی خواهد بود هرگاه تصور کنیم که ما از طریق تحلیل های متفاوتی که از مسائل عملی کنونی یا "حزب توده" داریم، مرزبندی خود را با این جریان مشخص می کنیم. درک متفاوتی که ما از ظرفیت انقلابی و ضدانقلابی طبقات اجتماعی و وظایف اساسی مارکسیست - لنینیستها در مبارزه طبقاتی داریم، درک متفاوتی که ما با "حزب توده" از انترناسیونالیسم پرولتری داریم، ما را بر آن می دارد که از قیاس بنویسیم. بنویسیم مشخص کنیم که مثلا اپورتونیزم راست حاکم بر "حزب توده" چه تحلیلی از موقعیت مشخص امروز ارائه داده و چه وظایفی را برای کمونیستها در شرایط کنونی توصیه و تأکید می کند.

یک رشته اختلافات اساسی و اساسی ما را از اشراف دهقانی جدا می کند. اختلاف ما با اشراف با این یا آن مورد اختلاف که به یک مسئله مبرم، عاجل و مشخص مربوط می شود، تعریف نمی شود بلکه ما مطمئن هستیم که چون ما دو بینش کاملاً متفاوت داریم، چون ما ایدئولوژی و جهان بینی پرولتاریا را می پذیریم و اشراف آن را نمی کنند، است که ما را در اساس در دو سو قرار داده است. بحث بر سر مسائل مشخص وقتی مفید، خلاق و سازنده و وحدت آفرین است که از قبل روشن نباشد که دو جریان فکری که بنیادهای ایدئولوژیک جداگانه ای آنها را از هم جدا می کند، در برابر هم صف کشیده اند. این حرف کاملاً درست است که تقسیم مادی هر اختلاف اصولی در پاسخگویی به این یا آن مسئله مشخص تبلور می یابد و از طریق پاسخگویی به مسائل مشخص است که در عمل نشان داده می شود که وحدت اصولی وجود دارد یا نه اما حرکت کردن در چنین پروسه ای تنها زمانی جایز است که از قبل مطمئن نباشیم که دو سیستم ایدئولوژیک شناخته شده و شکل گرفته در برابر هم وجود دارد که از ادراکات متفاوتی درباره واقعی ترین مسائل دارند. امروز ما و اشراف هیچ احتیاجی نمی بینیم که با همدیگر روی مسائل عملی و مشخصی بحث کنیم و بخواهیم از این طریق بقیه هم که با یکدیگر اختلاف اصولی داریم یا نه؟ بر سر ارائه تحلیل های جداگانه از حاکمیت نبود که اشراف سازمان جدا شد. همه از قبل مطمئن بودند که تحلیل اشراف از حاکمیت حتماً قطعاً و ضرورتاً ۱۸۰ درجه با سازمان تفاوت خواهد کرد. می دانید چرا؟ زیرا امروز دیگر روشن شده است که هرکدام از ما در یک دستگاه ایدئولوژیک جداگانه سنجیده می شوند.

ما قبل از آنکه رفقای اقلیت تحلیل خود را از حاکمیت فعلی ارائه بدهند و قبل از آنکه تاکتیک خود را در برابر این حاکمیت مشخص سازند، مطمئن بودیم و ایمان داشتیم که در بررسی ماهیت حاکمیت این اپورتونیزم چه حاکم بر پیش این دسته از رفقا است که تعیین کننده است. ما از قبل مطمئن بودیم که اپورتونیزم چه حاکم بر پیش رفقا تمام واقعیت های موجود، تمام قانونمندی های مبارزه طبقاتی را خیلی راحت به فراموشی خواهد سپرد و اعلام خواهد کرد: "حکومت نماینده بورژوازی کمپرادور و وابسته به امپریالیسم است"

مگر اشراف دهقانی در دو کلمه همین "حقیقت بزرگ" در باره حاکمیت کشف نکرد؟ مگر او هم اعلام نکرد این خیلی مسئله ساده ای است، جامعه ما یک جامعه سرمایه داری وابسته است و هر حکومتی هم که در آن روی کار بیاید وابسته به امپریالیسم خواهد بود. مگر مثال قطار تهران - مشهد او را فراموش کرده اید؟ مثالی که به اصلاح روابط زیر بنا و رونمایی توضیح می داد!

آیا هیچ آدم عاقلی می تواند انتظار داشته باشد که

۹۰ سالگداریها و اعضای سازمان را در بر گرفت. نخستین پلنوم سازمان شکست آشکاری بود برای آن بینشی که ۹ سال بر سازمان مسلط بود.

پس از پلنوم در نتیجه مرزبندی مشخصی که در پلنوم شکل گرفت، تنها عضو مرکزیت که اصول نظری و بنیادهای پیشین گذشته سازمان را قبول داشت و اساس جزوه پاسخ به اشراف را که بنیادهای پیشین گذشته را نفی میکرد، قبول نداشت، به علت سمت گیری نوین سازمان از مرکزیت استعفا داد و وظایف سازمانی خود را علیرغم توصیهها و تذکرات مرکزیت رها ساخت.

بعد از پلنوم رفقای که هر یک به نحوی از انحاء پیشین گذشته را قبول داشتند، در قالب "اقلیت" متشکل شدند این رفقا تا امروز حاضر نشدند حتی یک جلسه هم راجع به اساسی ترین و اصولی ترین مسائلی که به بنیانهای فکری ما باز می گردد، موضعگیری کنند.

رفقای اقلیت هنوز هم بیم دارند بپذیرند که شکل گیری اقلیت و اکثریت در سازمان بر اساس رد یا پذیرش پیشین گذشته و ادراکات متفاوتی بوده است که هر یک از اصول ایدئولوژیک و مبنای مارکسیسم داشته ایم.

رفقا تصور می کنند که بدون داشتن بنیادهای واحد ایدئولوژیک می توان در تاکتیک و برنامه به توافق رسید و وحدت تشکیلات کمونیستی را تأمین کرد. و این اساس از سازمان می خواهند که قبل از هر چیز به مسائل مربوط به برنامه و تاکتیک بپردازد. اکثریت در برابر این نگرش عنوان می کرد کمونیستها در عصر کنونی مجبور به یک رشته تئوری های علمی و تجربه شده جهانشمول هستند که در کلیت خود به نام مارکسیسم لنینیسم شناخته می شوند. صحت این تئوریها بستگی به این یا آن شرایط مشخص ندارد. تئوریهایی است علمی که صحت آن در جریان تاریخ طوفان زای مبارزه طبقات در جوامع مختلف به اثبات رسیده است و ما با اقیان علمی به صحت این تئوریها آنها را برای تحلیل مشخص از اوضاع مشخص، برای تعیین وظایف عاجل و تدارک و انجام انقلاب پرولتاریائی به کار می گیریم.

بدون تجهیز به تئوری انقلابی، انقلاب غیر ممکن است و از نظر ما مبنای عام تئوری انقلاب دقیقاً همان است که توسط بنیانگذاران سوسیالیسم علمی، مارکس و انگلس و لنین بنیانگذاری و تئوریزه شده است. انقلابیون کمونیست در عصر ما نیازی به کشف مجدد این تئوریها و آزمون مجدد صحت آنها ندارند. وحدت ارگانیک در جنبش کمونیستی میان کسانی ایجاد می شود که صحت و حقایق تاریخی آن اصول و تئوریهای علمی را بپذیرفته باشند، اختلاف نظر بین ما در جریانهای گریلائی و "انترناسیونال چریکی" که اکنون روزهی احتضار می گذراند، دقیقاً مبتنی است بر رد یا قبول همان تئوریهای عام تجربه شده ای که به اعتقاد ما باید دستورالعمل تمام کمونیستها در مبارزه طبقاتی قرار گیرد.

بحث بر سر درستی یا نادرستی این یا آن تاکتیک مشخص تنها زمانی می تواند ما را به سوی نتیجه گیری واحد و درست رهنمون گردد که بین ما یک رشته اصول تئوریک واحد و علمی حاکم باشد و مورد قبول قرار گرفته باشد. بحث ما با اشراف اقلیت دقیقاً بر سر پذیرش یا عدم پذیرش همان اصولی است که صحت آنها را علم و تجربه مبارزات پرولتاریا به اثبات رسانیده است و تئوریهای ما که ۹ سال به آنها پایبند مانده بودیم همان اصول را در کلیت خود نقض کرده بود. درست به همین دلیل بود که ما پروسه تحکیم اصول یا بازگشت به اصول را مطرح می کردیم و رفقا چون اساس همان پیشین گذشته را درست می پنداشتند، می خواستند که کمک آنها بحث بر سر مسائل مربوط به برنامه و تاکتیک را به اتمام رسانند.

از آنجا که سازمان هستی خود را در گسرو کوشش در راه تحقق همان آرمانهایی می داند که صدها رفقای شهید ما در راه آن جان باخته اند، از آنجا که ما در راه پیروزی و تحقق کمونیسم پیگار می کنیم، بیش از همه موظفیم که با دست یابی هرچه سریعتر و هرچه کاملتر به خط و برنامه مشخص و پاسخگویی به تمام مسائل مبرم و مشخص جنبش، در راه تحقق همان آرمان گام برداریم. همچنانکه تا امروز و به ویژه بعد از پلنوم نیز در این جهت تلاش کرده ایم.

رفقای اقلیت تلاش دارند و انمود کنند که سازمان قصد داشته است مسائل مشخص جنبش را رها کند و به بحث بر سر مسائلی بنشیند که هیچ ربطی به وظایف مشخص انقلابیون کمونیست نداشته است. حال آنکه سخن سازمان همواره آن بوده است که تا زمانی که یک رشته تئوریهای عام و جهانشمول مارکسیست - لنینیستی مورد قبول ما نباشد، بحث بر سر خط و برنامه، تحلیل حاکمیت، تحلیل موقعیت و وظایف ما هرگز به نتیجه واحد نخواهد رسید. رفقای اقلیت با تمجیب آمیخته به شکایت عنوان می کنند که اکثریت سازمان در حالی که بیش از هر چیز خواهان دست یابی و تحکیم اصول بود، بلافاصله بعد از پلنوم به ارائه تحلیل های مشخص از حاکمیت، موقعیت و قیهر برداشت! دلیل این امر واقعا آن بود که در مقطع بعد از پلنوم اکثریت سازمان روی یک حداقل مبنای مارکسیستی - لنینیستی به درک واحد و مشترک دست

چرا مبارزه ایدئولوژیک را علنی کردیم

مختصری درباره شرایط کنونی ما و انحراف راست در سازمان

از آنک زمان که بحران داخلی ما در زمینه‌های سیاسی - حزبیک - شکست‌ناپذیر بر گذرد. پس برای شش اولین دور از تصادفات، ندرات که عدما به صورت میان کمیته مرکزی و هیئت سابق کار انعکاس یافت. پس دلیل عدم فعالیت مشخص بر روی مسائل مشخصی در برنامه کمیته مرکزی برای عالی سازمان را غیر عملی کرد. هفت ماه پیش با تشکیل دوم سازه ریشه‌های انحرافی و راه حل بحران مورد بحث قرار گرفت. در این مان که دیگر تصادفات ایدئولوژیک - امی نمودنای ارزی یافته بود. تم رفتاری سازمان به دو جناح اقلیت و حزب چپ گونگی برخورد و نسبت به مسائل بحران شکل مشخصی به خود گرفت. پنجم، به دلیل مواضع انحرافی و برخورد های غیر اصولی رفتاری که توسط "جناح اکثریت" کمیته مرکزی سازمان هدایت می‌شد، در عمل، نه تنها زمینه‌های مناسبی جهت حل صحیح بحران درون سازمان فراهم نیامد، بلکه بر پستریزل و ابهام ناشی از عدم آگاهی لازم و توهم اکثریت رفتاری شرکت کننده نسبت به چگونگی مناسبات اصولی مابین جناح اکثریت و اقلیت درون سازمانی، وضعیت و شرایطی را پدید آورد، که دامنه بحران را هر روز گسترده‌تر کرد. در پنجم بحث در مورد عمل بحران و راه خروج از آن، نهایتا به صورت دو تحلیل اساسا متفاوت نسبت به ریشه‌های اصلی بحران و در نتیجه دو سیاست و دو خط مشی کاملا مجزا و متضاد در مورد راه حل بحران به قرار زیر جمع بندی شد:

الف - در مبارزه ایدئولوژیک که سازماندهی می‌شود، می‌باید از گمانال پاسخ به نیازهای مبرم جنبش و تدوین هدف و برنامه، استراتژی و تاکتیک جهت حل بحران حرکت کنیم. در می این پروسه به انحرافات گذشته نیز برخورد خواهد شد. در جریان تدوین هدف و برنامه، استراتژی و تاکتیک (بر حله انقلاب، برنامه انقلاب و...) دیدگاه‌های مختلف و انحرافات چپ و راست خود را مشخص می‌سازند. صف بندی‌های ایدئولوژیک سیاسی که طی این پروسه مبارزه ایدئولوژیک به وجود می‌آید، در کنگره تعیین تکلیف خواهند کرد.

ب- مبارزه ایدئولوژیک باید در برخورد با سیستم ایدئولوژیک مشی گذشته سازمان بر محور "تحکیم اصول" به منظور دست یابی به یک مبنای ایدئولوژیک مارکسیست - لنینیستی سازمان باشد. طی این روند مانیفست تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان تهیه و تنظیم شده و با تصویب در مرکزیت یا کنگره در سطح جامعه اطلاع می‌گردد. پس از این پروسه می‌باید به تدوین هدف و برنامه، استراتژی و تاکتیک

پرداخت و کنگره را برای تصویب آن هدف و برنامه (هدف و برنامه، استراتژی و تاکتیک) فراخواند. ج- برای حل بحران ایدئولوژیک در دو روند به هم پیوسته زیر با تاکید بر تقدم و تاخر آن سازمان داده می‌شود: ۱- با سیستم ایدئولوژیک گذشته بر محور "تحکیم اصول" و دست یابی به یک مبنای ایدئولوژیک حداقل مارکسیست لنینیستی برخورد لازم صورت می‌گیرد. دست یابی به این مبنای برای حرکت اصولی و پیشرفت در وحدت سیاسی و تدوین هدف و برنامه ضرورت دارد. در پایان این روند مانیفست تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان جهت تصویب در کنگره تهیه و تنظیم می‌شود.

۲- در ادامه مبارزه ایدئولوژیک سازمان یافته، تدوین هدف و برنامه استراتژی و تاکتیک آغاز و ادامه می‌یابد طی این روند با اشکال تازه اپورتونسم چپ و راست مبارزه شده و صف بندی‌های احتمالی شکل خواهد گرفت. در پایان این روند کنگره فراخوانده شده و مصوبات آن، مواضع ایدئولوژیک - استراتژیکی سازمان شناخته می‌گردد. گروه بندی‌های ایدئولوژیک - سیاسی که طی این دو روند شکل گرفته‌اند، در کنگره تعیین تکلیف خواهند نمود. (جزوه پنجم) بند ج به تصویب رسید. در جمع بندی فوق بند الف نظر اقلیت و بند (ب و ج) (گرچه تفاوت‌هایی دارند اما در آناس یکی هستند) نظر اکثریت سازمان بود. محتوای مباحثات پنجم نشان می‌دهد که ما از لحاظ سیاسی - ایدئولوژیک ریشه اصلی بحران را در تضاد بین دو دیدگاه، یکی متکی بر مارکسیسم - لنینیسم انقلابی و دیگری متکی بر اپورتونسم و تبلیغ دنباله‌روی از حوادث ارزیابی کردیم. این دو جریان در طول پروسه و هنگام برخورد با مسائل مختلف سیاسی، لزوما تضادهای خود را آشکار می‌کردند. ما در پنجم چنین عنوان کردیم که شدت گیری مبارزه طبقاتی و شرایط حاد سیاسی حاکم بعد از قیام، ما را بر آن میدارد که مبارزه ایدئولوژیک بین دو جریان را در درجه نخست روی تحلیل شرایط کنونی، تعیین استراتژی سیاسی و وظایف مبرم و تاکتیکی کمونیست‌ها متمرکز و سازماندهی کرده و ارزیابی ماهیت و ضرورت به کار گیری تاکتیک مسلحانه (در گذشته) توسط کمونیست‌ها را از طریق پاسخگویی به مسائل مبرم خود به انجام برسانیم. ما این خط و برنامه پیشنهادی را تنها راه اصلی جهت پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک که باید ضامن شرکت آگاهانه ما در مبارزه طبقاتی رو به انکشاف جامعه و راهگشای برخورد اصولی نسبت به اختلافات موجود باشد، اعلام کردیم. خط مشی دوم که از جانب اکثر اعضای "کمیته مرکزی" رهبری می‌شد برای حل بحران به مقوله‌های مجردی همچون "تحکیم اصول" و "با دست

بقیه در صفحه ۴ ضمیمه

دوباره ترکیب

ماهیت طبقاتی دولت

"مردم قبل از همه و بیش از همه باید از حقیقت آگاه باشند و بدانند که قدرت دولتی عملا در دست کیست، باید تمام حقیقت را به مردم گفت" (لنین - در اطراف شعارها)

از دادن پاسخ صریح و قطعی به ماهیت طبقاتی دولت هر روز از عمق و گسترش تازه‌ای برخوردار می‌شود. بار این بحران فشار طاقت فرسایی را بر تنه‌ها وارد ساخته و زندگی را بیش از پیش برای آنها دشوار ساخته است. رژیم حاکم در عمل نشان داده است که نه می‌خواهد و نه می‌تواند به نیازها و خواست‌های برحق توده‌ها، جامعه عمل بپوشاند. هر روز که می‌گذرد توده‌های مردم بیش از پیش در برائتک عینی و تجرعه روزمره خود بی می‌برند که هیئت حاکمه در جهت تحقق خواست‌ها نیازها و آمارو آرزوهای آنها گام بر نمی‌دارد. از این رو به تدریج از آن فاصله می‌گیرند و در پاره‌ای موارد به رودررویی مستقیم با آن بر می‌خیزند. اما با تمام این اوصاف هنوز انبوهی از توده‌ها در توهمات و زودباوری‌های ناشی از ناآگاهی و خرافات خرده بورژوازی به سر می‌برند و اشتعادی ناشی از ناآگاهی به حاکمیت دارند. در چنین شرایطی بفرنج و پیچیده اجتماعی و سیاسی وظایف خطیر برعهده نیروهای مارکسیست - لنینیست قرار دارد و پاسخگویی به مسائل مبرم جنبش و طبقه عاجل جنبش کمونیستی است. اما انجام این وظایف

مردم قبل از همه و بیش از همه باید از حقیقت آگاه باشند و بدانند که قدرت دولتی عملا در دست کیست، باید تمام حقیقت را به مردم گفت" (لنین - در اطراف شعارها)

از دادن پاسخ صریح و قطعی به ماهیت طبقاتی دولت هر روز از عمق و گسترش تازه‌ای برخوردار می‌شود. بار این بحران فشار طاقت فرسایی را بر تنه‌ها وارد ساخته و زندگی را بیش از پیش برای آنها دشوار ساخته است. رژیم حاکم در عمل نشان داده است که نه می‌خواهد و نه می‌تواند به نیازها و خواست‌های برحق توده‌ها، جامعه عمل بپوشاند. هر روز که می‌گذرد توده‌های مردم بیش از پیش در برائتک عینی و تجرعه روزمره خود بی می‌برند که هیئت حاکمه در جهت تحقق خواست‌ها نیازها و آمارو آرزوهای آنها گام بر نمی‌دارد. از این رو به تدریج از آن فاصله می‌گیرند و در پاره‌ای موارد به رودررویی مستقیم با آن بر می‌خیزند. اما با تمام این اوصاف هنوز انبوهی از توده‌ها در توهمات و زودباوری‌های ناشی از ناآگاهی و خرافات خرده بورژوازی به سر می‌برند و اشتعادی ناشی از ناآگاهی به حاکمیت دارند. در چنین شرایطی بفرنج و پیچیده اجتماعی و سیاسی وظایف خطیر برعهده نیروهای مارکسیست - لنینیست قرار دارد و پاسخگویی به مسائل مبرم جنبش و طبقه عاجل جنبش کمونیستی است. اما انجام این وظایف

بدون پاسخ به این مسئله که اکنون قدرت سیاسی در دست کدام است؟ و دولت به عنوان ابزار سلطه طبقاتی از منافع چه طبقاتی را می‌کند؟ نه تنها از پاسخگویی به مسائل مبرم جنبش و انجام وظایف باز می‌مانیم، بلکه به سردرگمی و بلا تکلیفی حاکم بر جنبش دامن زدن و بالنتیجه ضربات جدی و جبران ناپذیری به جنبش کمونیستی و ج توده‌های وارد خواهد آمد.

اقتصادی و سیاسی زرف سراه فرا گرفت و توده‌ها دست به مستقل تاریخی زدند. مشخص طبقاتی در جنبش بود. دیکتاتوری و اختناق ساله که یکی از موانع آگاهی طبقه کارگر و با وجود نتایج مخر آورده سازمان‌های طبقه کارگر و با هنوز پدید پیوند ارگانیک طبقات و اقتنا هنگامی که ر سیستم و حد جامعه را به سوق می‌داد طبقاتی صاف: ضدانقلاب: موقعیت طبقاتی اپوزیب: خلقی خلقو

پیش از هر چیزی مستلزم آن است که پاسخ قطعی و صریح به مسئله قدرت دولتی داده شود. بدون پاسخ به این مسئله که اکنون قدرت سیاسی دست کدام طبقه است؟ و دولت چگونه ابزار سلطه طبقاتی از منافع چه طبقاتی دفاع می‌کند؟ نه تنها از پاسخگویی به مسائل مبرم جنبش و انجام وظایف خود باز می‌مانیم بلکه به سردرگمی و بلا تکلیفی حاکم بر جنبش دامن زده و بالنتیجه ضربات جدی و جبران ناپذیری به جنبش کمونیستی و جنبش توده‌ای وارد خواهیم ساخت. اگر به راستی قدرت دولتی عملا در دست خرده‌بورژوازی است و حاکمیت موجود (حاکمیتی خلقی است) باید صریحا حقیقت را به مردم گفت. روش پرولتاریا را در قبال آن مشخص کرد و موضع معینی نسبت به آن اتخاذ نمود و اگر قدرت دولتی عملا در دست بورژوازی است بازهم باید آشکارا حقیقت را به مردم گفت و آنها را از حقیقت آگاه ساخت. امروز که یک سال و اندی از قیام می‌گذرد، "کمیته مرکزی" سازمان ما علیرغم اشارات جسته و گریخته خود به "وجه عمده خرده‌بورژوازی حاکمیت"

چرا مبارزه ایدئولوژیک را علنی ...

بقیه از صفحه ۲ ضمیمه

به یک بنیاد ایدئولوژیک حداقل است - لنینیستی" (!!!) متوسل به برای پنهان کردن نظرات راست - خود را برخورد مشخص با مسائل برنامه و تاکتیک به بنیادهای مختلف مطرحه رفت.

جریان اکثریت علیرغم اینکه در لایبی ریشه اصلی بحران، در حرف و ظاهر وجود دودیدگاه متفاوت حزبوژیک را می پذیرفت، اما در عمل خرد درست هنگامی که پلنوم به راه حل سخن پرداخت، معلوم شد که علنت بی بحران را در قبول یا رد مشی بیخانه گذشته از جانب اعضای بیجان جستجو می کنند و عملاً با عمده بن این وجه از اختلافات نقش همان در جنبش را از یاد برد و شرایط ملی مبارزه طبقاتی کارگران و مستان و ضرورت رهبری آگاهانه آن نادیده گرفت. در حقیقت "کمینه نری" با موضوعی که اتخاذ کرده بود، هنوز هم بر آن اصرار می ورزد، نه ای را تبلیغ می کرد که بر اساس آن جنبش کمونیستی ایران محکوم به جدا شدن از جنبش خودبخودی کارگران بود، زیرا ارائه راه حل بحران یعنی در شرایطی که موج جنبشهای خودبخودی اعتراضی کارگران از یک سو و مبارزه مکرراتیک دهقانان و خلقها برای کسب سب و حق تعیین سرنوشت از سوی دیگر قدرت عظیمی ما را به دنباله روی کشاند و دقیقاً به همین جهت بسیج مدارک نیروهای سازمان جهت طرح بی استراتژی و برنامه و تاکتیک اثاریا از مرم ترین وظایف ما به شمار آمد، سخن گفتن از مبارزه نولوژیک برای ارزیابی مجدد یکهای گذشته به عنوان وظیفه سازمان به معنایی می توانست و هم می تواند داشته باشد جز آنکه به دکان چنین تفکری منافع شخصی خود را بر منافع اساسی و مصالح طبقاتی کارگران ترجیح دهند و آن آشفته نگری را که در این بحملی برای گسترش دیدگاه گمانیستی در سازمان بوده است ریزه کرده و در سطح تشکیلات مع و ترویج می کنند. شیوه متفاوتی نبود که کمینه مرکزی نسبت به مبارزه نولوژیک هیچ قربانی با درک مادی و و مارکسیستی مبارزه ایدئولوژیک ن. عدم درک دیالکتیک رابطه بین میان مبارزه ایدئولوژیک سازمان مبارزه طبقاتی کارگران در وضعیت کنونی، خود نشانگر دیدگاه محدود گنظرانه "کمینه مرکزی" نسبت به دراز مدت جنبش کارگری و جنبش استک - نوده ای ایران بود. به هر جلسات پلنوم پایان یافت، پس از زمانی چند، عده ای از اعضای مرکزی سازمان که در پلنوم با مندی های ضد تشکیلاتی و کراتیک به اهداف اولیه خود دست بودند بعد از پلنوم (پس از آنکه هر از رفقای اقلیت یکی عضو کمینه و دیگری عضو مشاور) با هدف نظرات و مبارزه سیستماتیک علیه ت انحرافی سلط از مرکزیت و تحریفه کار استعفا دادند) را برای اجرای اهداف راست خویش، پیش از پیش مناسب اینبار با نقض مصوبات پلنوم

که به پیشنهاد خود آنان تصویب شده بود و به این ترتیب با زیر پا نهادن هرگونه پرنسیپ کمونیستی بحران را در همه ابعاد و زمینه های یاد شده به درجه انفجار آمیزی رساندند. مصوبات پلنوم که مقرر می داشت تا شکل گیری نهایی نظرات طی روندهای مبارزه ایدئولوژیک و تعیین تکلیف گروه بندی های سیاسی -

رفقای "کمینه مرکزی" به دلیل آنکه هنوز دارای موضع پایداری نسبت به اهداف و جریان های عمده حاکمیت و ماهیت طبقاتی آنان نیستند و با دست کم از برابر علنی و صریح آن تاکنون اجتناب ورزیده اند. پایه ای چرخش به راست در سیاست، تاکتیکها را نیز از این لحظه تا به آن لحظه و از این

ما در پلنوم چنین عنوان کردیم که شدت گیری مبارزه طبقاتی و شرایط حاد سیاسی حاکم بعد از قیام، ما را بر آن می دارد که مبارزه ایدئولوژیک بین دو جریان را در درجه نخست روی تحلیل شرایط کنونی، تعیین استراتژی سیاسی و وظایف مرم و تاکتیک کمونیست ها متمرکز و سازماندهی کرده و ارزیابی ماهیت و ضرورت بکارگیری تاکتیک مسلحانه (در گذشته) توسط کمونیست ها را از طریق پاسخگویی به مسائل مرم به انجام برسانیم. ما این خط و برنامه پیشنهادی را تنها راه اصولی جهت پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک که باید ضامن شرکت آگاهانه ما در مبارزه طبقاتی رو به انکشاف جهانی و راهگشای برخورد اصولی نسبت به اختلافات موجود باشد، اعلام کردیم.

ایدئولوژیک، در کناره ای که به همین مناسبت می بایستی تشکیل شود، از ارائه هرگونه تحلیل و موضعگیری، چه در مورد مشی گذشته سازمان و چه در مورد حاکمیت کنونی، به مخرج موضعگیری های سیاسی - تبلیغی روزمره نباید صورت گیرد، با بنیادهای مختلف و تحت پوشش های گوناگون از جانب "کمینه مرکزی" نقض شد و این رفا تدریجاً بطور خودسرانه به برکناری رفا اقلیت از مسئولیت های تشکیلاتی دست زدند و آن را همچنان ادامه دادند. (تحلیل های مندرج در "کار" ۳۵ شماره های پس از آن، در مورد حاکمیت و نیز مقاله های درج شده در ارگان های محلی شواهد عینی نقض مصوبات پلنوم از جانب مرکزیت است. این مقاله ها بدون کوچکترین نظرخواهی از اعضای سازمان و صرفاً بنا به نظر مرکزیت نگاشته شده است.) مبارزه درونی سازمان ما علیه نفوذ و گسترش ایدئولوژی بورژوازی و خرده -

واقع تا به آن واقعه اتحاد کرده اند. جسرو معنی نمای اتحاد تاکتیکها و موضعگیری های سازمان را به در ارتباط با اهداف اسرارتیک بلکه اساساً تابع منافع آسی و سودمندی لحظه ای خود است. و بالاتر از این مرکزیت بیش از آنکه به منافع دراز مدت جنبش کارگری و جنبش نوده ای سیدیدند به کسب نفوذ و داشتن پایگاه نوده ای" به شیوه اجزاب اپورتونیست ازوبائی فکر می کنند از این رو به تبعیت از اصل برشتی "جنبش همه جبر هدف هیچ چیز" عملاً از این اصل اساسی کمونیستی که پیروزی طبقه کارگر و نوده های زحمتکش تنها از طریق بسیج و رهبری آنان حول سیاست مستقل پرولتاریائی امکان پذیر است، چشم پوشیده و به جای آنگاه، منافع طبقاتی و تاریخی کارگران اساساً در جستجوی متحدینی در میان "پلائیها" چشم دوخته است. تسلط دیدگاه پراگماتیستی با ماهیت گرایش به

مبارزه ایدئولوژیک علنی نه تنها وسیله ای برای شناساندن هویت ایدئولوژیک سیاسی جناح انقلابی سازمان در سطح جنبش کمونیستی - کارگری محسوب می شود بلکه در درجه نخست تنها طریق موثر مبارزه انقلابی علیه گسترش گرایش های اپورتونیستی و ریزیزونیستی و تنها شکل حفظ محتوای انقلابی سازمان ما به شمار می آید. مبارزه ایدئولوژیک علنی کوششی است در جهت بیدار کردن و آگاه کردن هواداران و نیز تمام آن کسانی که در جنبش کمونیستی ایران برای سازمان ما نقش مهمی قائلند.

تدوین، تصویب و پیشبرد خط و برنامه سیاسی، نقض مکرر و متوالی ضوابط و اصول سازمانی با استفاده از اهرم های تشکیلاتی از سوئی و عاملی که بیشتر از هر چیز و به مثابه عامل تعیین کننده در اصرار ما برای علنی کردن مبارزه ایدئولوژیک نقش داشته است، یعنی - در پیش گرفتن روش آجستی اپویانه و تسلیم طلبانه در مبارزه طبقاتی، صلح و مصالحه با این یا آن جناح قدرتمند درحاکمیت، دامن زدن به توهم نوده و سمگیری بر شتاب در ثنوری و عمل به سوی اپورتونیسم و تفکر حزب نوده از سوی دیگر، ما را بر آن داشت که همگان را از ماهیت اختلافات ایدئولوژیک درون سازمانی آگاه سازیم. بدیهی است که ما بدون اینکه بوسیله علنی کردن مبارزه ایدئولوژیک با تمام قوا علیه گرایش های اپورتونیستی "مرکزیت" مبارزه کنیم نمی توانستیم وظایف انقلابی خود عمل کنیم. از نظر ما، مبارزه ایدئولوژیک علنی نه تنها وسیله ای برای شناساندن هویت ایدئولوژیک - سیاسی جناح انقلابی سازمان در سطح جنبش کمونیستی، کارگری محسوب می شود، بلکه در نخست تنها طریق موثر مبارزه انقلابی علیه گسترش گرایش های اپورتونیستی و ریزیزونیستی و تنها شکل حفظ محتوای انقلابی سازمان ما به شمار می آید. مبارزه ایدئولوژیک علنی کوششی است در جهت بیدار کردن و آگاه کردن هواداران و نیز تمام آن کسانی که در جنبش کمونیستی ایران برای سازمان ما نقش مهمی قائلند. در عقیده ما، در شرایطی که پراگمندی در جنبش حاکم بوده و در بین ما نیز هنوز بر سر اصول ایدئولوژیک اختلافات اساسی چشم می خورد بیش از هر چیز باید همگان از ماهیت اختلافات و شیوه برخورد این از جناح نسبت به مسائل مورد مشاخره آگاه و در باره آن قضاوت کنند. اگرچه ما از نفوذ عناصر تفکر اپورتونیستی در اندیشه "کمینه مرکزی" سازمان بسیار ناسف هستیم اما هیچگاه این آموزش لنین را فراموش نمی کنیم که "حتی بهترین نمایندگان دموکراسی خود را به سوگواری بخاطر این اغتشاش فکری، تردید و بی اعتقادی به اصول محدود می سازند. لیکن مارکسیست ها، ریشه های طبقاتی این پدیده اجتماعی را جستجو می نمایند."

لس - مبارزه ایدئولوژیک در حسن طیفه کارگر) ما محض از تمامی رفقای هوادار می خواهیم که این ایده لنینی را بعنوان رهسویی در برخورد با اختلافات درونی سازمان در نظر گرفته و به پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک علنی در سطح جنبش یاری رسانند و این امر حیاتی را به هر شکل ممکن پیش ببرند. در خانه ننگه ای را که باد خاطر نشان سازیم و تاکید خاصی بر آن داشته باشیم این است که عمده کردن مبارزه ایدئولوژیک حول مسائل حاد مرم جنبش کمونیستی ایران را بعنوان تنها طریق اصولی پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک شناخته و هرگونه عدول از آن را امری و کوینی در جهت برده افکندن بر نظرات غیر مارکسیستی و تحریفه کارگزاران و نیز تمام آن کسانی که در جنبش کمونیستی ایران برای سازمان ما نقش مهمی قائلند.

راست از یک سو و عده ایگاه نوده های سازمانی و ناده ایگاسرالیسم دمکراتیک از سوی دیگر. "کمینه مرکزی" بصورت دو جسمیست از "مرکزیت" در امر مبارزه ایدئولوژیک و هدایت سیاسی - تشکیلاتی سازمان در آمده است. رشد مبارزه طبقاتی و ضرورت موضعگیری های مشخص و صریح در قبال مسائل و موضوعات خاد سیاسی انعکاس خود را به صورت تکامل مبارزه بین دو خط مرم در درون سازمان آشکار کرده است. اقدامات غیر اصولی و غیر دمکراتیک "مرکزیت" در برقراری مناسبات غیرمصلحتی در حاکم اقلیت و اکثریت، ناده ایگاسرالیسم و گزینش نظریات، نوده های سازمانی در

بورژوازی که عمدتاً به صورت مبارزه ایدئولوژیک علیه تفکرات مسلط در مرکزیت سازمان بازتاب داشته است به هیچ وجه مربوط به امور جزئی و یا محدود به مسائل تشکیلاتی نوده ایگاسرالیسم به سبب ریشه های ایدئولوژیک - سیاسی عمیق آن، در تمامی مسائل اساسی و مهم مبارزه طبقاتی و در عرصه های ثنوری و یزاتیک خود را می نمایاند. خط مشی سیاسی سازمان و همینطور سمت گیری آن در مبارزه ایدئولوژیک کارگری و بیرونی که قاعدتاً می بایست با تکیه بر نیازهای مبارزه طبقاتی کارگران رهنمونی برای عمل سازمان و هواداران گردد، توسط "کمینه مرکزی" در مسیرهای انحرافی سوق داده شد.



درباره ترکیب و ماهیت طبقاتی ...

بقیه از صفحه ۳ ضمیمه
و مبارزه اوج گیرنده آنها، زمینهای عینی سازش بین بورژوازی و رهبری خرد بورژوازی جنبش را فراهم ساخت. بدین طریق در آستانه قیام سازشی شکل گرفت و حاکمیتی پدید آمد که "ارگان سازش" بود. در این حتمت که از لحاظ ترکیب طبقاتی از نیروهای وابسته به قشر فوقانی خرد بورژوازی و سستی و نمایندگان بورژوازی وابسته (عمدتا بورژوازی متوسط) تشکیل شد، بستهای حساس و مراکز مهم دستگاه

جنبش شرایطی از سطح مبارزه طبقاتی رهبری بطور کامل در اختیار نیروهای سازشکاری قرار گرفت که از حداقل شکل لازم و امکان پیوند با تودهها برخوردار بودند. نقش مذهب و اعتقادات مذهبی مردم و بطور کلی جو خرد بورژوازی که سراسر جامعه را فرا گرفته بود، به این نیروها که از جهت موضعگیری و پایگاه طبقاتی به قشر فوقانی خرد بورژوازی سستی تعلق داشته، امکان داد که هژمونی خود را بر جنبش تأمین کنند.

نمایندگان خرد بورژوازی سستی که از یک سو به خاطر خصوصیات طبقاتی و خویشاوندی طبقاتی شان با بورژوازی به ویژه نزدیکی شان به اپوزیسیون بورژوازی متوسط و از سوی دیگر گرایشهای شدیداً قشری و مذهبی، عناصری کاملاً منززل، محافظه کار و فاقد پیگیری لازم بودند، هنگامی که در رأس جنبش توده‌ای و در آستانه یک دگرگونی و تحول تاریخی قرار گرفتند خود را سخت ناتوان دیدند و در برابر رادیکالیزه شدن روزافزون جنبش و حرکت انقلابی توده‌ها به هراس افتادند و به آغوش بورژوازی پناه بردند.

این نمایندگان خرد بورژوازی سستی که از یک سو به خاطر خصوصیات طبقاتی و خویشاوندی طبقاتی شان با بورژوازی بویژه نزدیکی شان به اپوزیسیون بورژوازی متوسط و از سوی دیگر گرایشهای شدیداً قشری و مذهبی، عناصری کاملاً منززل محافظه کار و فاقد پیگیری لازم بودند هنگامی که در رأس جنبش توده‌ای و در آستانه یک دگرگونی و تحول تاریخی قرار گرفتند خود را سخت ناتوان دیدند و در برابر رادیکالیزه شدن روزافزون جنبش و حرکت انقلابی توده‌ها به هراس افتادند و به آغوش بورژوازی پناه بردند. رهبری را تصاحب کنند. رهبری خرد بورژوازی جنبش پیش از قیام راه سازش با بورژوازی را برگزید و با تأکید و حمایت از دولت بازرگان و شورای انقلاب می‌خواست به شکل سالمات آمیز و با حداقل اصلاحات ممکنه در ارگانها و نهادهای رژیم گذشته ماشین دولتی را به این دو ارگان بورژوازی تحویل کند. اما در همین لحظات قیام خود انگیخته توده‌ها برخی از محاسبات و معادلات مربوط به انتقال سالمات آمیز قدرت را برهم زد. قیام ضرباتی به ارگانها و نهادهای بورژوازی وارد آورد. وزیر فشار توده‌ها نقش

دولتی عملاً به دست بورژوازی افتاد. بدین طریق هنگامی که مردم در حال برپا کردن باریکداه در خیابانها و نیز حمله به پادگانها و مراکز سرکوب و ستم بودند نمایندگان بورژوازی می‌کوشیدند بستهای مهم و حساس دولتی را تصاحب کنند. رهبری خرد بورژوازی جنبش پیش از قیام راه سازش با بورژوازی را برگزید و با تأکید و حمایت از دولت بازرگان و شورای انقلاب می‌خواست به شکل سالمات آمیز و با حداقل اصلاحات ممکنه در ارگانها و نهادهای رژیم گذشته ماشین دولتی را به این دو ارگان بورژوازی تحویل کند. اما در همین لحظات قیام خود انگیخته توده‌ها برخی از محاسبات و معادلات مربوط به انتقال سالمات آمیز قدرت را برهم زد. قیام ضرباتی به ارگانها و نهادهای بورژوازی وارد آورد. وزیر فشار توده‌ها نقش

در آستانه قیام به علت فقدان صف بندی طبقاتی مشخص، فقدان هژمونی پرولتاریائی بر جنبش، فقدان شکل و آگاهی توده‌ها، فقدان سازمان‌های سیاسی انقلابی که با توده‌های خود در ارتباط و پیوند همه‌جانبه و نزدیک داشته باشند، خصوصیات طبقاتی و قشری رهبری جنبش و بالاخره احساس خطر بورژوازی در برابر توده‌ها و مبارزه اوج‌گیرنده آنها، زمینه‌های عینی سازش بین بورژوازی و رهبری خرد بورژوازی جنبش را فراهم ساخت.

بورژوازی بزرگ در ارگان سازش کاهش یافت. قیام و مسلح شدن توده‌ها دیگر چیزی نبود که تأثیر خود را بر جریان حوزی برجای نگذارد و صف و سبلی است که به قول بازرگان به جای باران آمد. سیاستها و عملکردهای این حاکمیت و شیوهائی که در قبال توده‌ها و انقلاب در پیش گرفت و اقداماتی که تا به امروز انجام داده است آشکارا ماهیت و خصلت طبقاتی بورژوازی آن را نشان می‌دهد. این حکومت از همان روزهای نخستین به قدرت رسیدن خود درجهت متوقف کردن دامنه قیام کام برداشت. از انهدام کامل ارگانها و نهادهای رژیم گذشته به وسیله توده‌های قیام کننده ممانعت به عمل آورد. با سرعت بازسازی ارگانها و نهادهای ضربه خورده بورژوازی را آغاز کرد. پایه‌های

موقعیت بورژوازی و امپریالیسم نیز در چنین مرحله‌ای از تکامل جنبش که مبارزه توده‌ها علیه رژیم حاکم مدام گسترش و شدت می‌یافت و صف و سبلی ناتوانی هیئت حاکمه نیز هر روز بیشتر آشکار می‌شد، به نحوی بود که سلطه آنها با خطر جدی روبرو شده بود، بنا بر این در این حال برای آنها نیز بهترین و ممکن ترین راه نجات سازش با نیروهای رهبری کننده جنبش بود. پس می‌بینیم که در آستانه قیام به علت فقدان صف بندی طبقاتی مشخص فقدان هژمونی پرولتاریائی بر جنبش، فقدان شکل و آگاهی توده‌ها، فقدان سازمان‌های سیاسی انقلابی که با توده‌های خود ارتباط و پیوند همه‌جانبه و نزدیک داشته باشند، خصوصیات طبقاتی و قشری رهبری جنبش و بالاخره احساس خطر بورژوازی در برابر توده‌ها

خود را با وعده و وعید و اطمینان به امکان دست یابی به توافق با سرمایه‌داران بزرگ تشکیل می‌دهند و در بهترین حالات از سرمایه‌داران برای بخش فوقانی کم عده توده‌های خود امتیازاتی ناچیز محدودی می‌گیرند. اما در مورد هر مسئله قطعی، هر امر مهم، دیکرات‌های خرد بورژوا همیشه دنباله رو خرد بورژوازی بوده‌اند و به شکل زائده ناتوان و آلت مطیع در دست سلاطین مالی درآمده‌اند.

در جامعه ما نیز سازش نمایندگان و سران خرد بورژوازی سستی مرفه با هر نیتی و با هر قصدی که صورت گرفته باشد در ماهیت امر تغییری نمی‌دهد. نیرویی که راه مذاکره و سازش با ضد خلق و اشتلاف با بورژوازی را بر اتحاد با نیروهای انقلابی ترجیح می‌دهد و قدرت واقعی را عملاً به بورژوازی می‌سپرد، نیرویی که مانع درهم شکسته شدن ارگان‌های سرکوبگر بورژوازی و دستگاه اداری و نظامی آن می‌شود و توده‌ها را از قیام منع می‌کند، نیرویی که از فردای قیام مدام اعتماد به بورژوازی را به مردم تلقین می‌کند و آنها را به اطاعت از بورژوازی وامی‌دارد و در هر امر قطعی و مهم تاکنون جانب بورژوازی را گرفته است، با هر نیتی هم که با بورژوازی سازش کرده باشد و عملاً

مادی سلطه امپریالیسم و بورژوازی وابسته یعنی مناسبات سرمایه‌داری وابسته را حفظ کرد. مالکیت بورژوازی را مقدس، محترم و تعرض ناپذیر اعلام کرد و بالاخره در مقابل کارگران از سرمایه‌داران و در برابر دهقانان از زمینداران به دفاع پرداخت. این حکومت از همان فردای قیام بسیاری از بستهای مهم و مراکز حساس در دستگاه دولتی یعنی در ارتش و بوروکراسی را به دست نمایندگان بورژوازی و بسیاری از هواداران و سرپرستان رژیم سرنگون شده‌سپرد و سازماندهی باندهای سیاه، بورش‌های وحشیانه به خلق‌های تحت ستم ایران، تلاش در جهت در هم کوبیدن دستاوردهای انقلابی توده‌ها نظیر شوراها، محدود کردن و پایمال کردن حقوق دموکراتیک و آزادی‌های سیاسی مردم را پیشه خود ساخت. بقول لنین:

این حکومت در حالی که نیت حسنه خود را در پس پرده حملات انقلابی پنهان می‌دارد، هواداران بساط گهن را به مقام‌های حساس می‌گمارد. این حکومت می‌کوشد تمام دستگاه ماشین دولتی (ارتش، پلیس و دستگاه اداری) را حتی المقدور با اصلاحات کمتری به بورژوازی تسلیم نماید. حکومت جدید دست به کار آن شده است که به هر وسیله‌ای شده از اقدام انقلابی عملیات توده‌ای و

مارکسیسم - لنینیسم به ما می‌آموزد و تجربیات انقلابی جهانی به دفعات صحت آن را به اثبات رسانده است که هنگامی که سران خرد بورژوازی با بورژوازی سازش کنند، این سازش با هر نیت و قصدی که صورت گرفته باشد آنها را به زائده و دنباله رو بورژوازی تبدیل می‌کند و در مسائل قطعی و مهم همیشه جانب بورژوازی را می‌گیرند.

در خدمت بورژوازی قرار گرفته است و به قول هروف راه‌مهم نیز با نیت حسنه مفروض شده است. بنابراین پاسخ به این مسئله که آیا این سازش با نیت حسنه "یا سئو نیت" صورت گرفته است، فاقد اهمیت عملی است و در ماهیت حاکمیت و نقش خرد بورژوازی در آن تغییری نمی‌دهد. البته باید در نظر داشت که سازش نمایندگان وابسته به قشر فوقانی خرد بورژوازی سستی با بورژوازی از طریق گرفتن امتیازاتی عملی شد. امپریالیسم و بورژوازی با توجه به پایگاه توده‌های رهبری جنبش و با توجه به سطح مبارزه توده‌ها، مجبور بودند که در سازش تن به عقب‌نشینی‌هایی دهند تا بتوانند سیستم موجود را نجات دهند و جنبش را به انحراف بکشانند. بنا بر این با پذیرش برخی اصلاحات مورد نظر رهبری خرد بورژوازی جنبش و دادن امتیازات ویژه روحانیت تن به سازش دادند. امتیازاتی هم که به نفع توده‌های خرد بورژوازی گرفته شده از حدود رفرفرم‌های بورژوازی تجاوز نکرده است. در این زمینه رفرفرم‌های بورژوازی ارگان سازش در زمینه‌های اقتصادی از جمله اعطای وام‌ها و کمک‌های ناچیز به خرد توده‌های کشاورزان، برنامه رفرفرم ارضی و غیره به خوبی بیان کننده ماهیت این امتیازات و رفرفرم‌های بورژوازی است که به هیچ وجه منافع واقعی توده‌ها را تأمین نمی‌کند. بدین لحاظ از آنجایی که سران خرد بورژوازی سازش کرده‌اند و در قلمی ترین و مهم‌ترین مسائل جانب بورژوازی را گرفته‌اند و نمی‌توانند ضایع

تصرف قدرت از پائین به توسط مردم که یگانه تضمین موفقیت‌های واقعی انقلاب است جلوگیری نماید. (لنین و طایف پرولتار با در انقلاب) همه این اقدامات که کلاً در جهت تحکیم سلطه بورژوازی است، آشکارا ماهیت بورژوازی حاکمیت را نشان می‌دهد. اما اکنون باید به مسئله‌ای پرداخت که هنوز در جنبش ما برای عده‌ای لاینحل باقی مانده است و آن نقش خرد بورژوازی در ارگان سازش است. سئوالاتی که در اینجا مطرح می‌شود و اختلافاتی که پیش می‌آید این است که: در ارگان سازش قدرت واقعی عملاً در دست کیست؟ آیا سازش نمایندگان خرد بورژوازی با بورژوازی (با هر نیتی که صورت گرفته باشد) می‌تواند منافع واقعی خرد بورژوازی را تأمین کند؟

مارکسیسم - لنینیسم به ما می‌آموزد و تجربیات انقلابی جهانی به دفعات صحت آن را به اثبات رسانده است که هنگامی که سران خرد بورژوازی با بورژوازی سازش کنند، این سازش با هر نیت و قصدی که صورت گرفته باشد آنها را به زائده و دنباله‌رو بورژوازی تبدیل می‌کند و در مسائل قطعی و مهم همیشه جانب بورژوازی را می‌گیرند. اینها در نهایت امر امتیازاتی می‌گردد که خود را به صورت رفرفرم‌های بورژوازی نشان می‌دهد. لنین در این باره می‌نویسد:

دیکرات‌های خرد بورژوا بویژه رهبری آنها به دنباله روی از بورژوازی تمایل دارند رهبران دیکرات‌های خرد بورژوا توده‌های

